

# رشد آموزش فرهنگ ایرانی

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی  
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هجدهم • اردیبهشت ۱۳۹۲ • شماره پیاپی ۱۰۶



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: محمدرضا حشمتی

شورای برنامه ریزی و کارشناسی:

منصور ملک عباسی، علی اصغر جعفریان

فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: ندا عظیمی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی،  
پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۲

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

پيام نگار: [rahnamayi@roshdmag.ir](mailto:rahnamayi@roshdmag.ir)

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد سر دبیر: ۱۱۵

کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۱۱۵۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- ۲ ..... انرژی عاطفی / محمدرضا حشمتی
- ۳ ..... صورت و معنا / ثمانه ابروانی
- ۶ ..... علوم تجربی در سال آینده / دوست محمد سمیعی
- ۸ ..... تغییر دستگاه آموزش و پرورش از نهاد آموزشی به نهاد فرهنگی / محمد دشتی
- ۱۲ ..... دانش آموزان ایرانی در آینه تیمز ۲۰۱۱ / غلامرضا لشکر بلوکی
- ۱۶ ..... هوش درون فردی / محمد شاکر - مهدی رضاییان
- ۱۸ ..... معلم ۲۷ معلم / سمانه آزاد
- ۲۲ ..... اضطراب امتحان / سکینه عابدزاده
- ۲۴ ..... اعتماد سازی کنید و امین دانش آموزان باشید / نصرالله دادار
- ۲۷ ..... یادگیری مغز محور
- ۲۸ ..... مسئله ای به نام بوی جوراب / ابراهیم اصلانی
- ۳۰ ..... مجله از دید شما
- ۳۲ ..... با هم راهان

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

طراح جلد: ندا عظیمی

– مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.  
– مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید.  
– مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی سی دی یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند.  
– نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.  
– محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود.

– مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.  
– کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه ها) از متن استخراج شوند.  
– مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیترهای فرعی در متن و سوتیتر باشد.  
– معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوانین و آثار وی پیوست شود.  
– مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است.  
– مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود.  
– آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



# به مناسبت روز خوب معلم انرژی عاطفی

محمد رضا حشمتی

روح پدرم شاد که فرمود به استاد  
فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ

یادگیری آزاد کند. این انرژی عاطفی می‌تواند در تمام فرایندهای زندگی در «زیستگاه» مدرسه، زمینه رشد و تعالی باشد.

مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی پس از طی ۲۰ سال از عمر پربرکت خود، به ایام جوانی رسیده است. در دوره جدید، همسو با تحول بنیادین آموزش و پرورش و تغییر ساختار، در کنار معلمان سال اول متوسطه خواهیم بود تا بتوانیم رسالت خود را در جهت همراهی با شما به انجام برسانیم. سعی داریم در سال تحصیلی ۹۳-۹۲، با مؤلفان کتاب‌های درسی در زمینه چگونگی ارائه بهتر آموزش موضوعات درسی برای شما بیشتر صحبت و نمونه‌هایی از طرح درس‌های مناسب که توسط خود شما آماده می‌شود را ارائه کنیم. یکی از موضوعات جدیدی که در این دوره بیش از پیش باید به آن بپردازیم، تفکر و پژوهش است. قصد داریم با تفکر و پژوهش بیشتر، این اصل مهم آموزشی را واکاوی و ابعاد و زمینه‌های تحقق کاربردی آن را با کمک شما خوبان تجزیه و تحلیل کنیم. امیدوارم در آینده نه چندان دور شاهد حضور فعال شما همراهان صمیمی در این مباحث بنیادی باشیم. مثل همیشه دست همکاری به سوی شما خوبان دراز می‌کنیم و اعتقاد داریم که رسیدن به چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ کشور عزیزمان، بدون همراهی، هم‌فهمی و همدلی کارگزاران فرهنگی (معلمان) دور از انتظار است.

دوازدهم اردیبهشت، روز معلم، وامدار نام استاد شهید مرتضی مطهری است؛ معلم بزرگی که یکی از بنیان‌گذاران چشمه آزاداندیشی، خلاقیت فکری و توجه به مقتضیات زمان است. شهید مطهری از جنبه‌های گوناگون می‌تواند برای معلمان الگو باشد. نوع رفتار و منش شهید مطهری در محضر استادان خود، یکی از این نمونه‌هاست. در جامعه ما رسم شده است که معلمان در روز معلم بازار «محبت» را پررونق‌تر می‌بینند. یعنی دانش‌آموزان به دنبال فرصتی برای ابراز محبت هستند و معلمان نیز ناخواسته در انتظار محبت دیدن. هر کدام از ما اگر آلبوم صفحات ذهن و حافظه خود را ورق بزنیم، خاطرات شیرینی از این دوران داریم. اما فراموش نکنیم که ما همیشه ایام دانش‌آموز معلمان خود هستیم که بنابر روایتی از ائمه معصومین علیهم‌السلام، پدر معنوی ما نیز هستند. چه قدرشناسی ناچیزی است که ما معلمان امروز (دانش‌آموزان دیروز) در این ایام به دیدن پدران معنوی خود (معلمان دیروز) برویم، با صدق دل و جان، محبت خود را به آن‌ها ابراز کنیم و از آن‌ها بخواهیم با حضور در جمع دوستان و دانش‌آموزان ما، دوباره ما را از چشمه‌های معرفتی خود سیراب کنند. پدران معنوی ما، امروز از ما می‌خواهند که نوه‌ها و نتیجه‌های آن‌ها (دانش‌آموزان امروز) را عشق بیاموزیم؛ چرا که عشق اصلی‌ترین سرمایه معلم باید باشد تا بتواند انرژی عاطفی خود را در محیط یاددهی

# صورت و معنا

## معماری مدارس

ثمانه ابروانی

وقتی شنیدیم که یکی از مدارس تهران برای تأثیرگذاری بیشتر فضا بر جنبه‌های آموزشی نماهای مدرسه خود را براساس فرهنگ معماری اسلامی و ایرانی طراحی و بازسازی کرده است، مشتاقانه به آن مدرسه رفتیم. آنچه دیدیم بسیار زیبا، جذاب و تأثیرگذار بود. در بین ساختمان‌های بلند مسکونی اطراف مدرسه، چشمانمان به دیدن ساختمانی با نمای آجری روشن شد. وقتی برای گفت‌وگو با مسئولان مدرسه وارد فضای داخلی آن شدیم مشاهده کردیم که نمای داخل مدرسه هیچ تغییری نکرده بود و متعجب شدیم. به نظر می‌رسد در مقوله‌های فرهنگی مانند: محتوا، فضا و... باید قرابتی بین درون و بیرون، ظاهر و باطن، صورت و معنا باشد تا بتواند بیش از پیش تأثیرگذار باشد.

### نمای قدیمی

مدیر مدرسه می‌گوید: از سال ۷۱ تا ۹۱ نمای مدرسه سیمانی بود؛ سیمانی سفید، با انبوهی از پنجره‌های ساده، که هر یک یا دو پنجره یک کلاس درس را نشان می‌داد؛ نمای ساده بدون هیچ‌گونه عقب‌رفتگی یا جلوامدگی با نوشته‌هایی از بزرگان. مدیر ادامه می‌دهد: چند سالی می‌شد که در فکر تغییر نما بودیم. همیشه گوشه‌ای از ذهنم این دغدغه را داشتم که نمای مدرسه را تغییر دهیم، اما بودجه کافی نداشتیم تا اینکه...





## نمای جدید

مدیر مدرسه می‌گوید: سال ۹۱ از اول تابستان، از ۶ صبح تا ۱۰ شب کارگران مشغول به کار بودند، به طوری که شب اول مهر ماه فرصت کردیم حیاط مدرسه را بشوریم و برای ورود بچه‌ها آماده کنیم. کار سختی بود. حالا نما سنتی و بسیار زیباست؛ نمایی آجری، تیره رنگ و تزئین شده با رنگ‌های فیروزه‌ای. همه در بدو ورود محو آرامش و سکون این نما می‌شوند، شبیه همان احساسی که وقتی وارد بناهای قدیمی ایرانی آن هم از نوع صفوی می‌شویم به انسان دست می‌دهد. از نمای قبلی بسیار زیباتر است. پنجره‌ها نیز دوجداره شده‌اند. مبلغی حدود ۳۰۰ میلیون تومان هزینه نمای ساختمان و دیوار مدرسه و همچنین سردر مدرسه شده است. هر جای نمای تعمیر شده را با دلیل ساخته‌اند. پنج ستون، به نیت پنج تن و هر ستون هشت پر دارد به نیت امام هشتم که مزارش در ایران است. هر آجری به دلیلی خاص در جایی قرار گرفته است و دقت بسیار زیادی در اجزای آن به کار رفته است. کار معماری سنتی اسلامی است.

رهگذران و والدین مدرسه بسیار از طرح نما لذت می‌برند و می‌گویند ساخت دوباره نما با معماری سنتی و شمشه‌هایی که زیر سقف ورودی مدرسه تعبیه شده، با دری پر از طرح‌های هندسی اسلامی، به فضا جانی دوباره بخشیده است.

## لباس زیبای نما روی طرح قبلی

اگر به مدرسه نگاهی عمیق‌تر بیندازیم، متوجه می‌شویم که عمق معماری مدرسه تغییری نکرده است. مثل این است که لباسی ژنده و پلاسیده را از تن کودکی درآورده‌اید و لباسی نو، مرتب و زیبا بر تنش کرده‌اید. اما آنچه زیر این لباس پنهان است، همان کودک است بدون هیچ تغییر. درست است که نمای جدید بسیاری از عیوب قبلی را پوشانده و به حیاط مدرسه و زیبایی ظاهری مدرسه افزوده است، اما وقتی در اصلی ساختمان را باز می‌کنیم، باز همان راهرو است و کلاس و کلاس. البته مدیر مدرسه قصد دارد در سال‌های بعد، طراحی داخلی بنا را نیز به نمای ساختمان نزدیک کند. اما این هم چیزی نیست جز اینکه لباس‌های پنهانی‌تر را نیز زیباتر کنید، در حالی که کودک همچنان همان کودک است. اگر معماری فراهم کردن فضایی برای نیازهای جدید آموزشی (که همان دادن آزادی به دانش‌آموز در فرایند یادگیری است) را در نظر نگیرد، و فقط به آجری و فیروزه‌ای کردن و جزئیات طراحی نما بسنده کند، و مدل فعلی کلاس کلاس و زنگ، سلول، زنگ، سلول (که همان سیاست آموزشی نادرست ماست) است را حفظ کند، چندان فایده‌ای نخواهد داشت. طفل را دریابید و بعد لباس زیبا بر تنش کنید. تغییرات اساسی در مدرسه‌تان به وجود آورید. دیوارهایی را که همچنان سیاست معلم محوری را تأیید

## اداره سازمان نوسازی مدارس و نه کمک‌کننده در بازسازی مدارس

می‌پرسم آیا برای ساخت این طرح از نوسازی کمک گرفته‌اید؟ مدیر می‌گوید: از نوسازی کمک گرفته‌ام، اما آن‌ها چند طرح ساخته شده از مدارس را از طرح‌های سنگ و کامپوزیت و دیگر مصالح جدید جلوی من گذاشتند و گفتند که اگر دوست داشتید یکی از آن‌ها را انتخاب کنید. من نیز به ایشان گفتم که برای این مدرسه طراحی جداگانه‌ای می‌خواهم؛ طرحی جدید و خاص؛ معماری اسلامی.

متأسفانه در این زمینه نتوانستند هیچ کمکی به ما بکنند. سازمان نوسازی حکم یک اداره بود تا یک همفکر کنار بنده، یک پژوهشگر یا یک طراح معمار. آن‌ها فقط در روند اداری به من کمک کردند که مثلاً بنده این اجازه را دارم که بعد از ۱۲ سال؟ (نمی‌دانم؟) نما را تغییر دهم. بگذریم که این اجازه را باید از نهادهای دیگری هم، به خصوص شهرداری، می‌گرفتیم و عملاً در بازی اداری گیر کرده بود.



**تغییرات اساسی در  
مدرسه‌تان به وجود آورید.  
دیوارهایی را که همچنان  
سیاست معلم محوری را  
تأیید می‌کنند بشکنید و  
طرحی نو در اندازید و بعد  
روی آن لباس زیبای معماری  
سنتی و اسلامی بپوشانید**

اضافه کردن دیوارها، موضوعی جذاب برای تابستان‌های (زمان تعطیلی مدارس!) مدیران مدارس باشد.

### پژوهش، طراحی، ساخت

متأسفانه مدارس کنونی کشور ما و مدرسی که در دو دهه اخیر متولیش همان سازمان نوسازی مدارس است، دچار نوعی تمرکزگرایی شدید شده‌اند که ماحصل آن جز سادگی بیش از حد ساختمان‌ها در طراحی و ساخت مدارس، ناهمخوانی این طرح‌ها با مدارس قدیم ایران است. ما در معماری مدارسمان آنچه را که داشته‌ایم از دست داده‌ایم و آنچه را که اصلاً مال ما نبوده است برگزیده‌ایم و به‌طور مکرر تکرار می‌کنیم. به بهانه نظارت کامل نوسازی مدارس در ساخت و طراحی، این طرح‌ها تکرار می‌شوند، به این امید که مدارس بهتری برای ایران ساخته شوند، در حالی که این روند چیزی جز «تغییر» را به دنبال ندارد.

ساختمان‌های زندان ماندی برای فرزندانمان ساخته‌ایم، در حالی که باید تغییر کنند تا تمام خواسته‌های معلم و مدیر را فراهم کنند، چرا که دیگر کلاسی چهار دیواری با راهروهایی تاریک و بدون خلاقیت نمی‌تواند پاسخگوی این روح پر از خلاقیت و زیبایی ایرانی باشد. وقتی تغییر لاجرم اتفاق می‌افتد، باید سازمان و دیگر ارگان‌های مرتبط نگران هدررفت هزینه‌ها باشند. باید از تمرکزگرایی به شدت بکاهند. باید اجازه دهند ابتدا معماری در همخوانی کامل نیازهای آموزشی جدید قرار گیرد و در یک هماهنگی با معماری قدیم ما ساخته شود. کاری که این مدرسه در تغییر نمای مدرسه‌اش انجام می‌دهد، اما حیف که فقط لباس مدرسه را عوض می‌کند. نگران درون مدرسه نیستیم، در حالی که معماری مدارس قدیم، چیزی جز آزادی در یادگیری، سیال کردن فضا در مسیر یادگیری، تلفیق فضای باز و بسته در عمق معماری و نداشتن راهرو نیست. شاید چیدن آجرها به شکل زیبا، و تلفیق آن با رنگ فیروزه و حفره حفره کردن نما برای تهویه و زیبایی پوسته ساختمان، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گرفتند. چیزی که متأسفانه در بسیاری از ساختمان‌های کنونی به آن بسیار توجه شده است.

ابتدا پژوهش کنیم، بعد طراحی کنیم و پس از آن بسازیم. عکس این روند در کشور ما پیامدهایی داشته و دارد که هم اکنون نماهای زشت و ناهمگون را در شهرهایمان و به خصوص در مدارسمان می‌بینیم.

می‌کنند بشکنید و طرحی نو در اندازید و بعد روی آن لباس زیبای معماری سنتی و اسلامی بپوشانید. در این صورت است که نه هزینه‌های گزاف طرح‌های سنتی شما هدر می‌رود و نه زیبایی مدرسه ظاهری و کلیشه‌ای خواهد بود.

### هدررفت منابع و مصالح

تغییر در مدارس یا هر ساختمان عمومی دیگری، از یک منظر وسوسه برانگیز و از منظر دیگر خطرناک است. هر روز مصالح جدیدتری به صنعت ساختمان‌سازی اضافه می‌شود و این وسوسه برای نو شدن، از دیرباز در صنعت ساخت وجود داشته است. در مقایسه با کشورهای پیشرفته‌تر از خودمان، شاهدیم که بازسازی در کشور ما بسیار سریع‌تر انجام می‌شود تا کشورهای دیگر. به این معنی که به فرض در کشورهای دیگر، ساختمان‌های با قدمت ۳۵ سال به بالا، فقط کمی مرمت می‌شوند و حتی ساختمان‌های با عمر بالاتر هم حفظ می‌شوند. در اینجا بیشتر از آنکه در زمان طراحی روی چگونگی ساختمان فکر کنیم، برای ساخت آن عجله می‌کنیم. در بسیاری از طرح‌های مدارس پیریزی انجام می‌شود، قبل از اینکه طراحی ساختمان کامل شده باشد. این اتفاق باعث می‌شود که ده سال دیگر این ساختمان نتواند نیازهای عادی کاربران آن را، چه از لحاظ عملکرد و چه از لحاظ زیبایی شناختی، برآورده سازد.

به همین دلیل دست‌اندرکاران آن به تغییر دادن ساختمان برای همخوانی با نیازهایشان دست می‌زنند و باز پنج سال بعد، اگر بودجه‌ای باشد، دوباره دستی بر مکان‌های دیگر آن می‌کشند. این اتفاق به قدری در ساختمان‌های آموزشی باب است که گویی هر تابستان مدیر مدرسه (اگر بودجه‌ای باشد!) به تغییر بخشی یا کل ساختمان مشغول می‌شود. این تغییر می‌تواند چه از نظر تغییر کاربری فضاها و چه از نظر زیباسازی جزئی (رنگ‌آمیزی، تغییر مبلمان، تعویض جنس کف، تعویض پنجره‌ها، تعویض سیستم‌های تهویه، تخریب و





# علوم تجربی در سال آینده

دورنمای علوم تجربی سال اول، دوره اول متوسطه و انتظارات

دوست محمد سمیعی



## الف) کارکرد حوزه علوم تجربی

۱. برخوردار شدن متربیان از سواد علمی فناوریانه در بُعد شخصی و اجتماعی
۲. رشد و ارتقای شایستگی‌های عقلانی، ایمانی، دانشی، مهارتی و اخلاقی
۳. شناخت و استفاده مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی
۴. ایفای نقش سازنده در ارتقای سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی
۵. زمینه‌سازی برای تعظیم نسبت به خالق متعال از طریق درک عظمت خلقت
۶. تعمیق و تعادل در نگرش توحیدی و دستیابی به درک غایتمند از خلقت

## ب) قلمرو

۱. دانش: شامل زندگی و موجودات، زمین و پیرامون آن، ماده و تغییرات، طبیعت و مواد فراوری شده، علوم در اجتماع، علوم در زندگی روزانه، و تاریخ علم در ایران و اسلام.

با اجرایی شدن برنامه درسی پایه ششم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ دانش آموزان ششم ابتدایی فعلی در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ به سال اول دوره اول متوسطه وارد خواهند شد. طبیعی است، دبیران نیز چشم انتظارند تا با برنامه درسی و کتاب‌های دوره اول متوسطه آشنا شوند. در این راستا بر آن شدیم اطلاعاتی اجمالی در اختیار این عزیزان قرار دهیم.

در برنامه درسی ملی، آموزش به دو دوره شش ساله ابتدایی و شش ساله متوسطه تقسیم شده است. در این برنامه، حوزه‌های یادگیری بستر اصلی برای تسهیل فرایند تعلیم و تربیت به منظور دستیابی به اهداف برنامه در نظر گرفته شده‌اند. هر حوزه گستره و محدوده دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌های مرتبط با یادگیری متربیان راه از آمادگی تا پایان دوره متوسطه، توصیف می‌کند و حدود محتوا، روش‌ها، فرایندها و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌سازد. یکی از این حوزه‌ها، حوزه علوم تجربی است.

در بیانیه حوزه علوم تجربی، این علم حاصل کوشش انسان برای درک واقعیت‌های هستی و کشف فعل خداوند تعریف و برای آن کار کرد، قلمرو و جهت‌گیری کلی تدوین شده است.







۲. رویکرد تألیف از موضوع محوری به زمینه محوری تغییر کرده است، یعنی مؤلف به جای انتخاب یک موضوع علمی و بیان مفاهیم مرتبط و کاربردهای آن در زندگی، ابتدا زمینه مناسبی را انتخاب و مفاهیم مربوط به آن را در بستر زندگی تبیین می‌کند. مثلاً به جای

اینکه مفهوم حرکت، سرعت و شتاب را تعریف و سپس برخی از کاربردهای آن را بیان کند، زمینه‌ای از زندگی واقعی را که حرکت، سرعت و شتاب در آن رخ می‌دهد انتخاب می‌کند و در محیط واقعی به بررسی این مفاهیم و تأثیرات آن بر زندگی می‌پردازد. ۳. یادگیری معنادار: در این رویکرد، مطالب انتخاب شده با زندگی فراگیرنده ارتباط دارد و به جای گسترش دادن یک موضوع در یک زمینه آموزشی، به تعمیق آن می‌پردازد و با اتصال آن به زندگی فردی، اجتماعی، تاریخی، صنعتی، اقتصادی، دینی و اخلاقی، به یادگیری مؤثر و مفید، و به عبارت دیگر یادگیری معنادار، می‌پردازد.

با عنایت به تغییر رویکرد برنامه‌های درسی علوم و تألیف کتاب‌های درسی جدید، از همکاران گرامی انتظار می‌رود با تغییر رویکرد در آموزش، به جای آموزش موضوع محور و به کارگیری روش سخنرانی، آموزش زمینه محور را مبنای فعالیت‌های تدریسی خود قرار دهند.

با توجه به ویژگی آموزش زمینه محور، هر فعالیتی که پیشنهاد می‌شود، باید چند ویژگی داشته باشد: الف) با زندگی روزمره دانش آموز مرتبط باشد (مسئله محوری مانند مشکل انرژی، محیط زیست).

۲. قابل تجربه و آزمایش باشد (فعالیت پژوهش محور). ۳. کاربرد داشته باشد (بین تئوری و عمل ارتباط برقرار باشد). ۴. دانش آموزان را به کار گروهی تشویق کند. ۵. از نتایج آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید استفاده کند. امید است همراهی و همکاری دبیران محترم علوم تجربی با رویکرد جدید، زمینه یادگیری معنادار در دانش آموزان این مرزوبوم فراهم آورد تا آموزش علوم در خدمت زندگی بهتر برای همه قرار گیرد.

۲. فرایندهای علمی: شامل مهارت‌های فرایندی مانند مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات، اندازه‌گیری، تفسیر یافته‌ها، فرضیه و مدل‌سازی، پیش‌بینی، طراحی تحقیق، برقراری ارتباط و مهارت‌های پیچیده تفکر ۳. فناوری: شامل بیوفناوری، نانوفناوری، انرژی‌های نو و نجوم.

### ج) جهت‌گیری کلی

سازمان‌دهی محتوا تا پایان دوره اول متوسطه به صورت تلفیقی است. در سازمان‌دهی محتوا و آموزش باید به این موارد توجه شود:

۱. پذیرش اصل همه‌جانبه‌نگری براساس پذیرش رویکرد تلفیقی ۲. پذیرش نظر و عمل به منظور پرورش مهارت‌های فرایندی علمی ۳. آموختن روش و مسیر کسب علم، آگاهی و توانایی ۴. پرورش انواع تفکر برای نیل به خودیادگیری، ژرفاندیشی و تعالی‌جویی

۵. ایجاد ارتباط بین آموزه‌های علمی و زندگی واقعی (علم مفید، سودمند و هدفدار) ۶. مرتبط ساختن محتوای یادگیری با کاربردهای واقعی (یادگیری معنادار) ۷. پرورش انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر، متفکر و خلاق در راستای تحقق این انتظارات در برنامه درسی علوم، کتاب‌های جدیدالتألیف علوم

با ویژگی‌های جدیدی در حال تدوین هستند؛ از جمله: ۱. اهداف آموزشی کتاب‌ها در سه حیطه کسب دانستی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های ضروری به صورت یکپارچه و در قالب شایستگی‌ها و با اهداف پیامدمحور تبیین شده است. این شکل از بیان اهداف نیازمند آن است که دانش آموزان بتوانند آموخته‌های خود را به صورت معنادار به کار گیرند و آن‌ها را به موقعیت‌های جدید انتقال دهند.



# تغییر دستگاه آموزش و پرورش از نهاد آموزشی به نهاد فرهنگی

گفتگو با حسن فرازنده خالدي  
مدیر کل دفتر امور مشاوره و علوم تربیتی

محمد دشتی

امر راهنمایی و مشاوره در نیم قرن اخیر در نظام آموزشی کشور مورد توجه بوده و با همه فراز و نشیب‌هایش همواره از موضوعات مورد توجه مسئولان نظام آموزشی کشور به شمار می‌رفته است. اخیراً با طرح موضوع تحول بنیادین در آموزش و پرورش و ساختار جدید نظام تحصیلی، باز هم این موضوع اهمیت خاصی یافته و انتظار می‌رود که اهتمام بیشتری بدان مبذول شود. در این باره با حسن فرازنده خالدي، مدیر کل دفتر امور مشاوره و علوم تربیتی، گفت‌وگویی داشته‌ایم که حاصل آن اینک پیش روی شماست.



و استعدادیابی به منظور هدایت دانش‌آموزان به‌سوی رشته‌ها، حرفه‌ها و مهارت‌های مورد نیاز حال و آینده کشور، متناسب با استعداد، علاقه‌مندی و توانایی آن‌هاست، توجه به این راهکار که مهم‌ترین مأموریت ماست می‌تواند پاسخ سؤال شما را هم به همراه داشته باشد. خدمات راهنمایی و مشاوره در دوره اول متوسطه نظام جدید آموزش و پرورش، از محوری‌ترین و اساسی‌ترین فعالیت‌ها و راهبردها در آموزش و پرورش است. اگر بخواهیم اهمیت این موضوع را به خوبی بیان کنیم، باید به شرایط امروز جامعه دانشگاهی، مشاغل و جامعه شاغلان کشور نگاه کنیم. البته این موضوع ضلع چهارمی به نام خانواده‌ها و دغدغه‌هایشان را هم دارد. اگر این‌ها را کنار هم بگذاریم، اهمیت راهنمایی و مشاوره به طور دقیق مشخص می‌شود.

فعالی در این زمینه داشته باشیم، موفق نشدیم. در سند تحول بنیادین هم به این موضوع بسیار توجه شده و نسبت به گذشته مسئولیت بسیار سنگینی به اداره کل آموزش و پرورش واگذار شده است. قطعاً شما هم در این باره دغدغه‌های بسیار دارید. آقای خالدي اکنون شما بحث راهنمایی و مشاوره را در تحول بنیادین چگونه می‌بینید؟

سؤال شما عمومی و کلی است و به بازنگری و بازشناسی فرایند خدمات راهنمایی و مشاوره در جریان تعلیم و تربیت کشور نیاز دارد. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دو مأموریت اصلی به‌عنوان راهکار به بخش مشاوره معاونت پرورشی و فرهنگی محول شده است. یک راهکار درباره طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی

• اتفاق مهمی که چندی است در آموزش و پرورش افتاده، به ثمر نشستن سند تحول بنیادین است. علاوه بر آن، موضوع مهم راهنمایی و مشاوره هم مطرح است. در نگاهی به گذشته، فلسفه به وجود آمدن دوره راهنمایی تحصیلی که اکنون دوره اول متوسطه نام گرفته، مسئله راهنمایی و مشاوره بوده است. به خصوص در دهه ۴۰ که افرادی مانند دکتر اکرمی، دکتر صافی و دکتر آموزگار به عنوان مدرس این موضوع تربیت شدند. براساس تحقیقات، این دوره نیازمند مشاوره است. ولی می‌دانیم که در دهه ۵۰ مسئله درست اتفاق نیفتاده است. مرحوم دکتر کاردان عقیده داشتند که چون نتوانستیم نیروی



حتماً می‌دانید که شعار جهانی امسال سازمان بهداشت روان، «افسردگی، بحران جهانی» بود. در آموزه‌های دینی ما آمده است مهم‌ترین کاری که متولیان خانواده یعنی والدین باید انجام دهند، ایجاد آرامش در کانون خانواده است. برای این کار باید ضروریات و استلزامات آرامش را فراهم کنیم. مهم‌ترین وسیله و عامل آرامش، امید به آینده و دلگرمی دادن است. اگر در خانواده‌ها دلگرمی نیست یا بچه‌ها استرس و دغدغه دارند، به این خاطر است که به آینده خود چندان امیدوار نیستند. ما باید این مسئله را حل کنیم. البته حال سؤال این است که چرا بچه‌ها امیدوار نیستند؟ و جواب این است که چون به شغل آینده خود اطمینان ندارند. این نداشتن اطمینان به این دلیل است که می‌بینند جمع زیادی از اطرافیانشان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌اند اما شاغل نیستند. این موضوع یعنی ما نتوانسته‌ایم بین رشته‌های مورد نیاز کشور در دانشگاه‌ها تناسبی به وجود آوریم. زمانی رشته‌ای مانند پزشکی به شدت طرفدار پیدا کرد. همه خانواده‌ها می‌خواستند که فرزندانشان در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهند. حالا هم بحث رشته‌های مهندسی مطرح است. این جریان باید قدری اصلاح و هدایت شود. ما در حوزه راهنمایی و مشاوره به دنبال آن هستیم که با فراهم کردن سازوکارهای اداری، علمی و آگاهی‌بخش، توسعه متوازن تحصیلی و شغلی ایجاد کنیم.

● **آیا در این برنامه‌ها به علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان هم به خوبی توجه شده است؟**

بله! چون اگر ما نیازهای شغلی و تحصیلی کشور، دغدغه‌های خانواده‌ها، استعداد و علاقه‌ها و سلیقه‌های دانش‌آموزان را در نظر بگیریم، می‌توانیم به گونه‌ای دانش‌آموزان را هدایت کنیم که بخش عمده‌ای از استرس‌ها و دغدغه‌های خانواده‌ها کم شود. وقتی دغدغه‌ها کم شود، یعنی بخشی از آرامش را به خانواده‌ها برگردانده‌ایم. وقتی خانواده آرامش داشته باشد، به طور طبیعی، بخش عمده‌ای از امنیت اجتماعی کشور - که حاصل امنیت فردی است - تأمین می‌شود.

● **با برنامه‌ای که در پیش داریم، در سال ۱۳۹۲ دانش‌آموزان ششم ابتدایی به دوره اول متوسطه می‌آیند و در سال ۱۳۹۴ از دوره اول به دوره دوم متوسطه منتقل می‌شوند. طبق برنامه شما، در این سال دانش‌آموزان خدمات ذکر شده را دریافت خواهند کرد. یعنی هم استعداد آن‌ها برای اینکه چه رشته‌ای انتخاب کنند شناسایی می‌شود و هم ما مشاغل را به آن‌ها معرفی می‌کنیم. آیا شرایط کار گروهی یا انفرادی هم تا سال ۹۴ محقق خواهد شد؟**

البته این ویژگی‌ها بعد از فراغت از تحصیل در مدرسه و حتی در دانشگاه خواهد بود.

● **آزمون‌های مشاوره‌ای در چه پایه‌ای انجام خواهد شد؟**

در سال سوم دوره اول متوسطه آزمون اجرا می‌شود. اما بنا داریم اگر مقدمات فراهم شود، از سال اول ابتدایی تا سال چهارم متوسطه هم خرده آزمون‌هایی داشته باشیم. در شرایط فعلی که دوره گذار است،

سال ۱۳۹۴ آزمون را در سال سوم دوره اول متوسطه خواهیم داشت. ولی بنا داریم که اگر بتوانیم نقشه را چنین پیاده کنیم که از همان سال اول ابتدایی موضوع را پیگیری کنیم و آزمون‌ها را اجرا کنیم.

● **پس اگر امکانات و تمهیدات فراهم شود، بالاخره از سال اول یا دوم ابتدایی آزمون‌ها برگزار می‌شود؟**

این موضوع به همراهی مسئولان آموزش و پرورش بستگی دارد و البته بخشی هم به نظام دولتی مربوط است. یعنی اجرای طرح مستلزم این است که در دوره ابتدایی نیروی انسانی کافی داشته باشیم. اگر به طور میانگین ۸۰ هزار واحد آموزشی داشته باشیم، در هر واحد حداقل به یک نیروی مشاور نیاز داریم. در حالی که اکنون مشاوران ما نزدیک به ۲۰ هزار نفر هستند. جذب نیروی انسانی هم صرفاً در حیطه وظیفه آموزش و پرورش نیست و مجلس و دولت هر دو باید این مجوز را صادر کنند. نیرویی هم که قرار است وارد آموزش و پرورش شود، باید توانمندی و ویژگی‌های لازم آموزش و پرورش و مشاور بودن را داشته باشد. در حال حاضر ما این موضوع را در دانشگاه فرهنگیان پی می‌گیریم. به نظرم می‌رسد بتوانیم این طرح را در پنج سال آینده محقق کنیم.

● **پس برای سال ۱۳۹۴، همه بچه‌های پایه سوم دوره اول متوسطه ما آزمون خواهند داد؟**

بله. هدایت تحصیلی به طور مشخص انجام خواهد شد.

● **با نگاهی که شما فرمودید ۸۰ هزار مشاور نیاز داریم،**

خدمات راهنمایی و مشاوره در دوره اول متوسطه نظام جدید آموزش و پرورش، از محوری‌ترین و اساسی‌ترین فعالیت‌ها و راهبردها در آموزش و پرورش است

**یعنی در دوره اول متوسطه باید این تعداد مشاور را داشته باشیم یا تمهیدی بیندیشیم...**

همان وقتی که موضوع مجتمع‌های آموزشی و پرورشی طراحی شد، قرار شد ما یک مشاور در مجتمع داشته باشیم. در مجتمعی که واحدهای آموزشی آن کنار یکدیگرند، مشاور می‌تواند نیازهای مشاورهای کل مجتمع را پوشش دهد.

**• ولی باید این اختصاص مشاور سقف جمعیت داشته باشد. تعداد جمعیت خیلی مهم است. یعنی در هر مجتمع به ازای چه تعداد دانش‌آموز باید یک مشاور داشته باشیم؟**

شاخص ما اکنون یک دوازدهم است. یعنی برای هر دوازده دانش‌آموز، یک ساعت فعالیت مشاورهای تعلق می‌گیرد، حالا به هر تعداد دانش‌آموز داشته باشند. به نظر می‌رسد شرایط فعلی خوب است.

علاوه بر آن، دوستان حوزه مشاوره دو طرح دیگر را تبیین کرده‌اند که اجرا شده و موفق هم بوده است. فعلاً ما در مدارس ابتدایی «طرح رابطان هسته‌ها» را داریم. به این معنی که در هر واحد آموزش ابتدایی، همکاری که به فعالیت‌های مشاورهای علاقه‌مند است یا مطالعه‌ای در این حوزه دارد، به عنوان رابط هسته‌های مشاوره معرفی می‌شود. بعد از اینکه همکاران علاقه‌مند اعلام آمادگی کردند، از حوزه مشاوره منطقه و استان آموزش‌هایی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. پس از آن، با عملیات اداری فعالیت مشاورهای هم آشنا می‌شوند و کار را شروع می‌کنند.

حال احتمال دارد رابط هسته‌ها مدیر واحد آموزشی، معاون یا معاون پرورشی باشد. حتی ممکن است یکی از معلمان باشد که نیازهای مشاورهای مدرسه ابتدایی را پوشش دهد.

در واقع اگر این رابط از موارد مشاورهای مطلع شود یا موردی را مشاهده کند، آن را به هسته‌ها ارجاع می‌دهد، چرا که هسته‌های مناطق به مدارس ابتدایی اشراف بیشتری دارند. یعنی بیشترین پیگیری‌هایشان در مدارس ابتدایی است. چون در حال حاضر عموماً در مدارس متوسطه و در برخی از مدارس راهنمایی فعلی مشاور داریم، اما در مدارس ابتدایی کمتر مشاور داریم.

طرح بعدی طرح «همتایان مشاور» در مدارس متوسطه است که به مشاوران بیشتری نیاز دارند. این طرح هم در تعدادی از مدارس متوسطه اجرا شده است. در این طرح، دانش‌آموزانی که به فعالیت‌های مشاورهای علاقه دارند می‌توانند با زبان نوجوانانه و دانش‌آموزی، پیام‌های مشاوره را به هم‌کلاسی‌های خود انتقال دهند.

در سند تحول بنیادین، استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی بر مبانی اسلامی مبتنی است که به منظور افزایش نقش معلمان و کارکنان مورد توجه قرار گرفته است. این هم یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های حوزه مشاوره ماست که در راستای آن دو طرح را نیز پیش‌بینی کرده‌ایم.

طرح دیگر، طرح احیا و تعمیم فعالیت‌های مشاورهای به مدیران و معاونان مدارس است و دیگری هم طرح احیا و تعمیم فعالیت‌های تربیتی به کلیه کارکنان. بخشی از

این طرح‌ها اجرا شده و بقیه در حال تدارک برای اجرا هستند.

**• آیا در مجموعه برنامه‌هایی که به آن‌ها اشاره کردید، به پتانسیل وزارت آموزش و پرورش توجه شده است؟ چون نوعی بدفهمی از بحث تعلیم و تربیت وجود دارد و گاهی اوقات و شاید هم عموماً، تعلیم و تربیت مساوی با آموزش و پرورش دیده می‌شود. ما هم گاهی در این دام می‌افتیم. اشاره کردید این کار کاری نظام‌دار است که به همکاری جامعه، رسانه‌ها، خانواده‌ها و نظام‌های خیلی نیاز دارد که برای ما نیرو تأمین می‌کنند. آیا پیش‌بینی شده است که در آینده این عوامل کنار هم قرار گیرند تا به شما کمک کنند اهدافی را که به آن‌ها اشاره کردید محقق شود یا نه، اصلاً اعتقاد دارید که این کار به تنهایی از آموزش و پرورش ساخته است؟**

نظام آموزش و پرورش کشور ما که بزرگ‌ترین و اثرگذارترین دستگاه دولتی کشور است، متأسفانه در نظام تصمیم‌گیری، به عنوان نهادی فرهنگی معرفی نشده است. این مشکل اساسی ماست. من فکر می‌کنم سنگ بنای انحراف از بعضی مسائل در نداشتن توان و مجوز برای تصمیم‌گیری، در همین نکته است. مهم‌ترین و کلیدی‌ترین پیام سند تحول بنیادین، تغییر دستگاه آموزش و پرورش از نهادی آموزشی به نهادی فرهنگی است. اگر این اتفاق بیفتد که باید بیفتد (برای اینکه در تمام دنیا آموزش و پرورش اصلی‌ترین نهاد فرهنگی است)، مسئله حل خواهد شد. همان‌طور

در حوزه راهنمایی و مشاوره به دنبال آن هستیم که با فراهم کردن سازوکارهای اداری، علمی و آگاهی‌بخش، توسعه متوازن تحصیلی و شغلی ایجاد کنیم

که می‌دانید، بدون استثنا، بیشترین و وسیع‌ترین جامعه مخاطبان تمام سی‌ودو دستگاه فرهنگی که در کشور فعالیت می‌کنند دانش‌آموزان هستند. بیشترین ارتباط این دانش‌آموزان با کجاست جز با آموزش و پرورش؟ آیا خانواده‌ها بیشترین نیازهای فرهنگ‌سازی را از آموزش و پرورش مطالبه نمی‌کنند؟ هر چند اکنون صداوسیما به گفته امام خمینی (ره) دانشگاهی فرهنگی و مؤثر است، اما هنوز هم خانواده‌های ما تبیین اصول فرهنگی را از آموزش و پرورش مطالبه می‌کنند. چرا در نظام حکومتی ما آموزش و پرورش به عنوان نهادی فرهنگی مورد نظر نیست؟ این مشکل اساسی ماست.

فارغ از این مسائل، عامه جامعه ما آموزش و پرورش را نهادی اثرگذار می‌دانند و این تعامل دوطرفه است. ما برای هدایت تحصیلی فقط خودمان تصمیم نمی‌گیریم. بخشی از امتیازات ما را هم اولیا و بخشی را معلم بر عهده دارد. اینجا معلم صرفاً فردی دولتی در آموزش و پرورش نیست، بلکه فردی است که بخشی از الگوسازی‌های رفتاری، شغلی و تحصیلی دانش‌آموز

را بر عهده دارد. یعنی اگر جامعه معلمان و جامعه اولیا را افرادی تأثیرگذار در هدایت و راهنمایی تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان ببینیم، طیف وسیعی از جامعه با این موضوع مرتبط خواهند بود.

### ● آیا در برنامه هدایت تحصیلی به توان و امکانات خارج از آموزش و پرورش هم توجه شده است؟

بله! این موضوع مورد توجه بوده است. ما در نظام و اساس‌نامه جدید هدایت تحصیلی که برای تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش تقدیم شده است، برای طراحی هدایت تحصیلی دانش‌آموزان، از بیرون وزارت آموزش و پرورش هم استفاده می‌کنیم. برای مثال، از جامعه دانشگاهی، سازمان فنی و حرفه‌ای کشور، دفاتر آموزشی، نماینده انجمن اولیا و مربیان و نماینده دانش‌آموزان هم نظرخواهی می‌کنیم تا اساس‌نامه‌ای جامع و کامل و با در نظر گرفتن تمام زوایا تدوین کنیم.

ما در این حوزه وارد شده‌ایم، اما باید دقت داشته باشیم که آموزش و پرورش شغل نمی‌سازد.

طبیعی است دستگاه‌هایی که متولی این امر هستند باید به میدان بیایند و خواهند آمد و البته ما انتظار بیشتری از این دستگاه‌ها داریم.

دو سال پیش، تصمیم بر توسعه متوازن شغلی گرفته شد. یکی از برنامه‌های کاری ما این بود که تمام مشاغل موجود در کشور را بشناسیم. حتی باید شغل‌هایی را که در شهرهای کوچک و به تعداد کم وجود داشتند شناسایی می‌کردیم. بنابراین تصمیم گرفتیم اطلس مشاغل را طراحی کنیم. و دوستان مشاور ما موظف شدند شغل‌های عمومی و اختصاصی استان خود را در تمام شهرها بررسی کنند.

سال گذشته اطلس مشاغل همه استان‌ها طراحی شد. در حال حاضر ما سی‌ودو اطلس شغلی داریم. وقتی این اطلس‌ها طراحی و آماده شدند، عزیزان حوزه سازمان فنی و حرفه‌ای و کار و امور اجتماعی آن را از ما مطالبه کردند و باور نداشتند که آموزش و پرورش بتواند چنین کاری انجام دهد، درحالی که این کار اساساً کار ما نیست و کار دیگران است.

**در سند تحول بنیادین، استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی بر مبنای اسلامی مبتنی است که به منظور افزایش نقش معلمان و کارکنان مورد توجه قرار گرفته است**





# دانش آموزان ایرانی در آینه تیمز ۲۰۱۱

غلامرضا لشکر بلوکی

کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

کلیدواژه‌ها: نتایج تیمز، حوزه‌های محتوایی، حیطه‌های

شناختی، نقاط معیار بین‌المللی



## معرفی تیمز

مطالعه بین‌المللی روندهای آموزش ریاضیات و علوم<sup>۲</sup> TIMSS و مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن<sup>۳</sup> PIRLS از مهم‌ترین و وسیع‌ترین مطالعات تطبیقی در قلمرو ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است که تحت نظر انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی<sup>۴</sup> IEA انجام می‌گیرد. این انجمن نهادی مستقل و معتبر پژوهشی در سطح جهان است که با هدف بهبود و ارتقای وضعیت آموزشی کشورهای شرکت‌کننده، توانسته است تاکنون ده‌ها مطالعه تطبیقی را در زمینه پیشرفت تحصیلی به انجام برساند.

یافته‌ها و اطلاعات به دست آمده از این گونه مطالعات منبعی مهم و تعیین‌کننده برای کشف و شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام‌های آموزشی کشورها و مقیاس ملی و بین‌المللی و ارائه راهکارهای علمی و مؤثر در بهبود فرایند یاددهی - یادگیری است.

کشور جمهوری اسلامی ایران نیز از سال ۱۳۷۰ ه.ش برابر با ۱۹۹۱ م به طور رسمی همکاری خود را با این انجمن آغاز کرد و تاکنون در شش مطالعه تیمز در فاصله سال‌های ۹۵، ۹۹، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ و تیمز پیشرفته<sup>۵</sup> ۲۰۰۸ و نیز در سه مطالعه پرلز در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ شرکت کرده است (پژوهشگاه مطالعات آپ، دی ۱۳۸۷).

اگرچه غالباً گزارش مطالعات نتایج تیمز و پرلز هم‌زمان انتشار می‌یابد، اما در این مقاله فقط به موضوع تیمز پرداخته می‌شود.

اخیراً (پاییز ۱۳۹۱) گزارش نتایج تیمز و پرلز<sup>۱</sup> ۲۰۱۱ توسط مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز ایران، وابسته به پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش انتشار یافته است. گزارش مزبور از جدیدترین و بزرگ‌ترین مطالعات IEA در حوزه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. کشور ایران از سال ۱۹۹۱ تاکنون در شش دوره تیمز در فاصله سال‌های ۹۵، ۹۹، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ و تیمز پیشرفته<sup>۲</sup> ۲۰۰۸ و نیز سه دوره پرلز ۲۰۰۱، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ شرکت داشته است.

در این گزارش بسیار بارز و قابل توجه، جایگاه و عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در مقایسه با میانگین عملکرد دانش‌آموزان سایر کشورهای شرکت‌کننده در این مطالعه مشخص و عرضه شده است.

چنانچه گزارش مورد نظر نشان می‌دهد، جایگاه و عملکرد دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی ایران از بین ۵۰ کشور شرکت‌کننده در مطالعه تیمز ریاضیات و علوم (مطالعه بین‌المللی روند آموزش ریاضیات و علوم) ۲۰۱۱، به ترتیب در رتبه‌های ۴۳ و ۳۸ و عملکرد دانش‌آموزان پایه هشتم (سوم راهنمایی) ایران از بین ۴۲ کشور شرکت‌کننده در همین مطالعه، به ترتیب در رتبه‌های ۳۲ و ۲۲ قرار دارد که با وجود پیشرفت‌های حاصل شده در این دوره نسبت به دوره‌های قبل، باز هم چندان رضایت‌بخش نیست.

انتشار این گزارش بهانه‌ای شد که نگارنده در این مقاله با نگاهی اجمالی به جایگاه دانش‌آموزان ایرانی، علت پایین بودن جایگاه و چگونگی ارتقای عملکرد آنان در مطالعات تیمز بپردازد.





**PIRLS 2011 4<sup>th</sup> Grade**

**Exhibit 1.1: Distribution of Reading Achievement**

| Country                      | Average Scale Score |
|------------------------------|---------------------|
| Hong Kong SAR                | 571 (2.0)           |
| Malaysia                     | 568 (2.0)           |
| Indonesia                    | 568 (1.9)           |
| Singapore                    | 567 (1.1)           |
| Northern Ireland             | 554 (2.0)           |
| United States                | 546 (2.1)           |
| Denmark                      | 518 (1.7)           |
| Colombia                     | 515 (2.7)           |
| Chinese Taipei               | 511 (1.9)           |
| Ireland                      | 512 (2.0)           |
| England                      | 512 (2.0)           |
| Canada                       | 508 (2.0)           |
| Netherlands                  | 506 (1.9)           |
| Czech Republic               | 501 (2.2)           |
| Sweden                       | 502 (2.1)           |
| Italy                        | 501 (2.2)           |
| Germany                      | 501 (2.2)           |
| Spain                        | 501 (2.2)           |
| Portugal                     | 501 (2.0)           |
| Hungary                      | 519 (2.0)           |
| Slovak Republic              | 511 (2.0)           |
| Belgium                      | 511 (2.1)           |
| New Zealand                  | 511 (1.9)           |
| Ghana                        | 510 (2.0)           |
| Austria                      | 519 (2.0)           |
| Taiwan                       | 528 (2.2)           |
| Australia                    | 517 (2.2)           |
| Poland                       | 516 (2.1)           |
| France                       | 519 (2.0)           |
| Spain                        | 511 (2.0)           |
| Norway                       | 507 (1.9)           |
| Belgium (Flemish)            | 506 (2.0)           |
| Norway                       | 505 (1.9)           |
| West Bank, Gaza, Palestinian | 498 (1.1)           |
| Georgia                      | 488 (1.1)           |
| Malta                        | 471 (1.0)           |
| Timor-Leste                  | 471 (1.0)           |
| Armenia                      | 462 (1.1)           |
| Iran, Islamic Rep. of        | 457 (1.0)           |
| Timor-Leste                  | 446 (1.1)           |
| United Arab Emirates         | 439 (1.2)           |
| Saudi Arabia                 | 431 (1.0)           |
| Indonesia                    | 428 (1.2)           |
| Qatar                        | 417 (1.3)           |
| China                        | 397 (2.0)           |
| Morocco                      | 318 (1.0)           |

مهارت‌های محاسباتی، تفکر جبری، درک مفاهیم هندسی، پیش‌بینی نتایج و... اشاره کرد. با وجود این یافته‌ها، مطالعات تیمز (که در همین بخش اجمالاً به آن‌ها اشاره خواهیم کرد) حاکی از آن است که در کشور ما میزان دستیابی دانش‌آموزان به این مهارت‌ها بسیار کمتر از حد انتظار است (دفتر آپ راهنمایی ۱۳۸۸). به نظر می‌رسد، بخشی از این ضعف به رویکردها و روش‌های آموزش برمی‌گردد که در بنا نهادن درک معنادار و تعمیم آموخته‌ها به موقعیت واقعی، نقش اساسی دارند (نوبدی، ۱۳۹۰).

جدول شماره (۱) اطلاعات دقیق‌تری از وضعیت جایگاه ایران در مطالعات بین‌المللی تیمز در دسترس قرار داده است.

تیمز یک ارزیابی در حوزه آموزش ریاضیات و علوم پایه چهارم ابتدایی و هشتم (سوم راهنمایی) است که هدف از آن تهیه داده‌ها و اطلاعات مقایسه‌ای در مورد عملکرد آموزشی کشورهای شرکت‌کننده به منظور ارتقا و بهبود کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری در ریاضیات و علوم است (مرکز مطالعات تیمز، پرلز ۱۳۹۱).

## ● نگاهی به جایگاه و روند عملکرد دانش‌آموزان ایران در مطالعات تیمز

زندگی در جوامع امروزی نیازمند کسب و به کارگیری مهارت‌های گوناگونی است. از جمله این مهارت‌ها می‌توان به حل مسئله، استدلال، فرضیه‌سازی، آزمایش فرضیه، تخمین،

جدول ۱. رتبه دانش‌آموزان ایران در دروس ریاضیات و علوم در دو پایه چهارم ابتدایی و سوم راهنمایی در سال‌های ۱۹۹۵،

۱۹۹۹، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ در مقایسه با سایر کشورهای شرکت‌کننده

| درس - پایه                | رتبه ایران در تیمز ۱۹۹۵     | رتبه ایران در تیمز ۱۹۹۹     | رتبه ایران در تیمز ۲۰۰۳     | رتبه ایران در تیمز ۲۰۰۷     | رتبه ایران در تیمز ۲۰۱۱     |
|---------------------------|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
|                           | تعداد کل کشورهای شرکت‌کننده | تعداد کل کشورهای شرکت‌کننده | تعداد کل کشورهای شرکت‌کننده | تعداد کل کشورهای شرکت‌کننده | تعداد کل کشورهای شرکت‌کننده |
| ریاضیات پایه چهارم        | ۲۵ / ۲۶                     | -                           | ۲۲ / ۲۵                     | ۲۸ / ۳۶                     | ۴۳ / ۵۰                     |
| علوم پایه چهارم           | ۲۵ / ۲۶                     | -                           | ۲۲ / ۲۵                     | ۲۷ / ۳۶                     | ۳۸ / ۵۰                     |
| ریاضیات پایه سوم راهنمایی | ۳۷ / ۴۱                     | ۳۳ / ۳۸                     | ۳۴ / ۴۶                     | ۳۴ / ۴۹                     | ۳۲ / ۴۲                     |
| علوم پایه سوم راهنمایی    | ۳۸ / ۴۱                     | ۳۱ / ۳۸                     | ۳۱ / ۴۶                     | ۲۹ / ۴۹                     | ۲۲ / ۴۲                     |

آیا رتبه می‌تواند ملاکی برای پیشرفت در نظر گرفته شود؟  
چرا کشوری مانند سنگاپور که همواره رتبه‌های بالایی کسب کرده است، به شرکت در این مطالعه ادامه می‌دهد؟

جدول ۲. متوسط عملکرد دانش‌آموزان ایران در دروس ریاضیات و علوم تجربی پایه‌های چهارم و هشتم (سوم

راهنمایی) در سال‌های ۱۹۹۵، ۱۹۹۹، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ در مقایسه با عملکرد جهانی

| درس - پایه                       | دانش‌آموزان ایران ۱۹۹۵                 | دانش‌آموزان ایران ۱۹۹۹                 | دانش‌آموزان ایران ۲۰۰۳                 | دانش‌آموزان ایران ۲۰۰۷                 | دانش‌آموزان ایران ۲۰۱۱                 |
|----------------------------------|----------------------------------------|----------------------------------------|----------------------------------------|----------------------------------------|----------------------------------------|
|                                  | متوسط عملکرد میانگین عملکرد بین‌المللی | متوسط عملکرد میانگین عملکرد بین‌المللی | متوسط عملکرد میانگین عملکرد بین‌المللی | متوسط عملکرد میانگین عملکرد بین‌المللی | متوسط عملکرد میانگین عملکرد بین‌المللی |
| ریاضیات پایه چهارم               | ۳۸۷ / ۵۲۰                              | -                                      | ۳۸۹ / ۴۹۵                              | ۴۰۲ / ۵۰۰                              | ۴۳۱ / ۵۰۰                              |
| علوم پایه چهارم                  | ۳۸۰ / ۵۰۱                              | -                                      | ۴۱۴ / ۴۸۹                              | ۴۳۶ / ۵۰۰                              | ۴۵۳ / ۵۰۰                              |
| ریاضیات پایه هشتم (سوم راهنمایی) | ۴۱۸ / ۵۱۹                              | ۴۲۲ / ۴۸۷                              | ۴۱۱ / ۴۶۷                              | ۴۰۳ / ۵۰۰                              | ۴۱۵ / ۵۰۰                              |
| علوم پایه هشتم (سوم راهنمایی)    | ۴۶۳ / ۵۱۶                              | ۴۴۸ / ۴۸۸                              | ۴۵۳ / ۴۷۴                              | ۴۵۹ / ۵۰۰                              | ۴۷۴ / ۵۰۰                              |



Trends in International  
Mathematics and Science  
Study

IEA TIMSS & PIRLS  
International Study Center  
Lynch School of Education, Boston College

چنانچه جداول ۱ و ۲ نشان می‌دهد:

۱. عملکرد دانش‌آموزان پایه چهارم در ریاضیات روند مثبتی را نشان می‌دهد و میانگین عملکرد دانش‌آموزان مورد نظر در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال ۱۹۹۵ به میزان ۴۴ نمره بهبود یافته است. این در حالی است که عملکرد دانش‌آموزان پایه هشتم در ریاضی در طول دوره مورد نظر، با اندکی کاهش (به میزان ۳ نمره) مواجه بوده است.

۲. عملکرد دانش‌آموزان پایه چهارم در علوم با جهشی قابل توجه، افزایش ۷۳ نمره‌ای را در طول دوره مورد بررسی تجربه کرده است. عملکرد دانش‌آموزان پایه هشتم در علوم تجربی نیز روند مثبت رو به رشدی را تجربه کرده است. در این درس، عملکرد دانش‌آموزان پایه هشتم سال ۲۰۱۱ نسبت به ۱۹۹۵، افزایش ۱۱ نمره‌ای را تجربه کرده است.

خاطر نشان می‌سازد که براساس گزارش مطالعه تیمز ۲۰۱۱ در ریاضیات پایه چهارم و پایه هشتم، به ترتیب کشورهای سنگاپور با متوسط عملکرد ۶۰۶ و جمهوری کره با متوسط عملکرد ۶۱۳ در صدر و کشورهای یمن با عملکرد ۲۴۸ در پایه چهارم و غنا با متوسط عملکرد ۲۳۱ در پایه هشتم در انتهای فهرست کشورهای شرکت کننده در این آزمون قرار دارند.

در علوم پایه چهارم و پایه هشتم، به ترتیب کشورهای جمهوری کره با متوسط عملکرد ۵۸۷ و کشور سنگاپور با متوسط عملکرد ۵۹۰ در صدر و کشور یمن با متوسط عملکرد ۲۰۹ در پایه چهارم، غنا با متوسط عملکرد ۳۰۶ در پایه هشتم، در انتهای فهرست کشورهای شرکت کننده در آزمون تیمز قرار دارند.

### چارچوب طرح سؤال‌های تیمز ۲۰۱۱

الف) در این بخش، به چارچوب طرح سؤال‌های ریاضیات و علوم در تیمز ۲۰۱۱ (جدول شماره ۳) می‌پردازیم تا مشخص شود سهم هر یک از حوزه‌های محتوایی و همچنین اهداف طبقات مربوط به حیطه‌های شناختی به چه میزان است؟ این موضوع به معلمان کمک می‌کند ۱۱ بافتی را که دانش‌آموزان در آن به یادگیری می‌پردازند، بهتر بشناسند و در مقایسه آن با کشورهای دیگر، به شناسایی متغیرهای اثرگذار و میزان تأثیرگذاری آن‌ها در برنامه درسی، آموزش و منابع آموزشی بپردازند (مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز، ۱۳۹۱).

چنانچه جدول ۳ نشان می‌دهد، بالغ بر ۶۰ درصد اهداف در پایه چهارم و ۶۵ درصد اهداف در پایه هشتم (پایه سوم راهنمایی) در تیمز ۲۰۱۱، به طبقات «به کارگیری و استدلال»

جدول ۳. درصد اهداف اختصاص یافته به حوزه‌های محتوایی و حیطه‌های شناختی در هر دو پایه، در ارزیابی

#### ریاضیات و علوم ۲۰۱۱

| حوزه محتوایی ریاضیات پایه چهارم |  | حوزه محتوایی علوم پایه چهارم  | درصد       |           |
|---------------------------------|--|-------------------------------|------------|-----------|
| اعداد                           |  | علوم زیستی                    | ۵۰         |           |
| اشکال هندسی و اندازه‌گیری       |  | علوم فیزیکی                   | ۳۵         |           |
| نمایش داده‌ها                   |  | زمین‌شناسی                    | ۱۵         |           |
| حوزه محتوایی ریاضیات پایه هشتم  |  | حوزه محتوایی علوم پایه هشتم   | درصد       |           |
| اعداد                           |  | زیست‌شناسی                    | ۳۰         |           |
| جبر                             |  | شیمی                          | ۳۰         |           |
| هندسه                           |  | فیزیک                         | ۲۰         |           |
| کار با داده‌ها و احتمال         |  | زمین‌شناسی                    | ۲۰         |           |
| حیطه‌های شناختی در هر دو پایه   |  | حیطه‌های شناختی در هر دو پایه | پایه چهارم | پایه هشتم |
| دانستن                          |  | دانستن                        | ۴۰         | ۳۵        |
| به کارگیری                      |  | به کارگیری                    | ۴۰         | ۴۰        |
| استدلال                         |  | استدلال                       | ۲۰         | ۲۵        |

ب) حال در این قسمت، ابتدا به این موضوع اشاره می‌شود که عملکرد دانش‌آموزان در دروس ریاضی و علوم با کدام معیار عملکردی بین‌المللی سنجیده می‌شود و سپس یک نمونه سؤال تیمز که در چارچوب «نقطه معیار بین‌المللی بالا» طراحی شده است، ارائه می‌شود.

اختصاص یافته است. براساس طبقه‌بندی بنجامین بلوم (۱۹۵۶) «هدف‌های آموزشی به سه دسته کلی با نام‌های حوزه شناختی، حوزه عاطفی و حوزه روانی - حرکتی تقسیم می‌شوند (سیف، ۱۳۸۰) و حیطه شناختی نیز خود شامل طبقات: دانش، فهمیدن، کار بستن، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی است.





# PIRLS 2016

Progress in International  
Reading Literacy  
Study



TIMSS & PIRLS  
International Study Center  
Lynch School of Education, Boston College

## پی‌نوشت

1. TIMSS & PIRLS
2. Trends in International Mathematics and Science Study
3. Progress in International Reading Literacy Study
4. International Association for the Evaluation of Educational Achievement

## منابع

۱. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (۱۳۸۷). نگاهی اجمالی به جایگاه و روند عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در مطالعات تیمز.
۲. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (۱۳۸۷). مجموعه سؤال‌های علوم و ریاضیات تیمز (پایه سوم راهنمایی) به همراه چکیده نتایج ملی و بین‌المللی تیمز ۲۰۰۷.
۳. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (۱۳۹۱). گزارش اجمالی نتایج تیمز و پرلز ۲۰۱۱.
۴. دفتر آموزش و پرورش راهنمایی تحصیلی (۱۳۸۸). طرح غنی‌سازی تجربه‌های یادگیری درس ریاضیات و علوم تجربی.
۵. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۰). روان‌شناسی پرورشی. انتشارات آگاه. تهران.
۶. نویدی، احد (۱۳۹۰). ارزشیابی اجرای آزمایشی طرح غنی‌سازی تجربه‌های یادگیری در دروس ریاضیات و علوم تجربی پایه اول راهنمایی در سال تحصیلی ۹۰ - ۱۳۸۹.

کدام یک از پاسخ‌های زیر می‌تواند وزن یکی از این قطعه‌های فلزی باشد؟

- (الف) ۵ گرم  
(ب) ۶ گرم  
(ج) ۷ گرم  
(د) ۸ گرم

## سخن آخر

انتشار گزارش مطالعات تیمز در حوزه‌های آموزش ریاضیات و علوم دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی، تا حد زیادی آسیب‌ها و ضعف‌های این حوزه را نمایان ساخته است و این هشدار را به دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت و همچنین به معلمان می‌دهد که برای برون رفت از این وضعیت، باید چاره‌ای اندیشیده شود. این گزارش پیامی مهم و ویژه برای معلمان دارد و آن این است که وضعیت فعلی آموزش دروس ریاضی و علوم باید دگرگون شود و از شیوه‌های معلم‌محوری و انتقال صرف دانش و اطلاعات به سمت رویکرد استفاده از روش‌های تدریس فعال، فرهنگ یادگیری از همیاران و کاربست آموخته‌های دانش‌آموزان در زندگی، سوق پیدا کند.

در رویکردهای نوین و تحول یافته، به‌منظور تحقق راهبرد تعمیق فرایند یاددهی - یادگیری:

۱. کلاس درس با ایجاد انگیزه برای دانش‌آموزان آغاز می‌شود و این جو و شرایط تا پایان کلاس درس حفظ و تقویت می‌شود.

۲. معلم فقط خود را پرسشگر و پاسخ‌دهنده نمی‌داند، بلکه ضمن تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به طرح سؤال، زمینه‌ای فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان خود به سؤالات مطرح شده در کلاس پاسخ دهند.

۳. معلم زمینه مناسبی فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان با رغبت در انجام کارهای گروهی شرکت فعالانه داشته باشند. برخی از فعالیت‌ها و تکالیف درسی نیز به صورت گروهی انجام می‌شوند.

۴. تکالیف و فعالیت‌های کلاسی یا خارج از کلاس به سمت به‌کارگیری آموخته‌های دانش‌آموزان در محیط زندگی، حل مسائل پیرامونی خود و همچنین برانگیزاندگی حس کنجکاوی سوق داده می‌شود.

۵. ارزشیابی از آموخته‌ها و عملکرد دانش‌آموزان به گونه‌ای پی‌ریزی می‌شود که سطوح بالای یادگیری دانش‌آموزان (نظیر کاربرد، تجزیه و تحلیل و ارزشیابی) را اندازه‌گیری و در آن‌ها تقویت می‌کند.

براساس اسناد موجود (گزارش تیمز ۲۰۱۱)، نقاط معیار بین‌المللی برای طراحی سؤالات عبارت‌اند از:

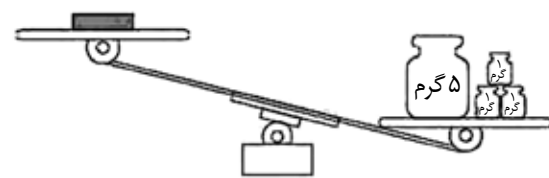
۱. نقطه معیار بین‌المللی پیشرفته؛ ۲. نقطه معیار بین‌المللی بالا؛ ۳. نقطه معیار بین‌المللی متوسط؛ ۴. نقطه معیار بین‌المللی پایین.

برای مثال، نقطه معیار بین‌المللی بالا در حوزه محتوایی «جبر» و در حیطه شناختی «استدلال» به این شرح است.

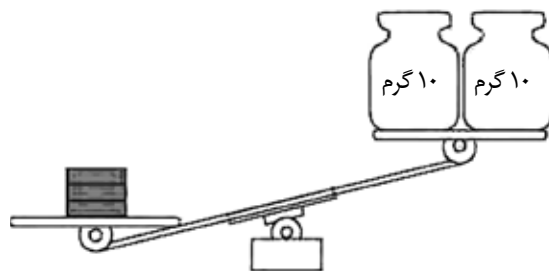
«دانش‌آموزان می‌توانند از اطلاعات و دانش خود در وضعیت‌های متنوع و پیچیده استفاده کنند. از اطلاعات به دست آمده از منابع برای حل مسائل مرتبط با اعداد و عملیات استفاده کنند. می‌توانند کسرها، اعشارها و درصد را به یکدیگر ربط دهند. در این سطح، دانش‌آموزان نشان می‌دهند که دانش روبه‌ای مرتبط با عبارت‌های جبری را کسب کرده‌اند. آن‌ها می‌توانند با استفاده از خواص و ویژگی‌های خط‌ها، زاویه‌ها، مثلث‌ها، مستطیل‌ها و هرم‌های با قاعده مربع، به حل مسائل بپردازند. آن‌ها می‌توانند داده‌های موجود در نمودارها را تحلیل کنند. (مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز).

سؤالی که در پی می‌آید یک نمونه سؤال ریاضی پایه هشتم در تمیز ۲۰۱۱ است که در چارچوب نقطه معیار بین‌المللی بالا طراحی شده است.

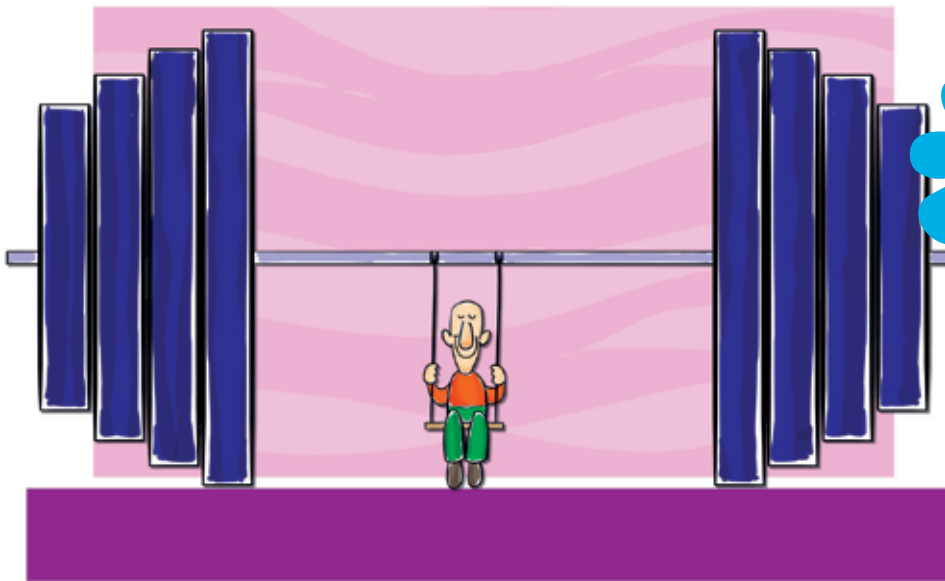
سؤال: جمشید سه قطعه فلزی دارد. این سه قطعه هم وزن هستند. وقتی او یکی از این قطعه‌ها را با ۸ گرم وزنه، وزن کرد، اتفاق زیر افتاد.



وقتی او هر سه قطعه را با ۲۰ گرم وزنه، وزن کرد، اتفاق زیر افتاد.



می دانند که در آینده  
چه کاره خواهند شد.



## هوش درون فردی

از آشنایی با شما خوش وقتم ...



همیشه یک مکان خلوت و دنج برای  
تمرکز و فکر کردن دارند که اگر کسی  
وارد آن شود ناراحت می شوند.



به توانایی های خود واقف اند.

دیر آشنا هستند و خیلی سفت با  
دیگران ارتباط برقرار می‌کنند.



شناخت عمیقی از خود دارند.



تمایل به استقلال و خودکفایی دارند  
و فعالیت های انفرادی را ترجیح می‌دهند.





# معلم ۲۷ معلم

غلامرضا معصومی؛ معلمی که ۲۷ تن از شاگردانش راهش را دنبال کردند

سمانه آزاد

تا همه آن‌ها را به قدم گذاشتن در راه شغل پیامبران تشویق کرده است.

این دانش‌آموزان که حالا خودشان از معلمان شهرستان خاتم شده‌اند، دلایل زیادی را برای انتخاب معلمی به عنوان عشق و شغل خود بیان کرده‌اند، اما همه آن‌ها یک نقطه مشترک دارند و آن تأثیر رفتار، منش و شخصیت غلامرضا معصومی، معلم درس تاریخ، است؛ معلمی که در کلاس خود به تاریخ بسنده نکرد و هر آنچه را که زندگی به او آموخته بود به شاگردانش منتقل کرد؛ از مهارت‌های زندگی تا زندگی قرآنی؛ از تاریخ جنگ‌های جهانی تا آشپزی و خیاطی؛ معلمی که از همکاران زمانه خود یک گام جلوتر بود. طفلان گریز پا را به راحتی به مدرسه می‌کشاند و تنها با تخته سیاه معجزه می‌کرد!

حال چند تن از شاگردان دیروز و معلمان امروز بعد از حدود ۲۰ سال، روزهای شاگردی نزد غلامرضا معصومی را به یاد آورده‌اند؛ از روش‌های تدریس او تا مدیریت کلاسش:

همه ما در دوران تحصیل خود همواره چشم به دهان معلمانمان دوخته‌ایم؛ کسانی که حرفشان برایمان حجت بوده و اعمال و رفتارشان الگو. همه ما بنا به میزان تأثیرگذاری معلمانمان درس‌هایی را از آن‌ها آموخته‌ایم. اما شاید کمتر معلمی پیدا شود که با حضور در یک کلاس، عشق به معلمی و آموزش را در وجود ۲۷ نفر از دانش‌آموزانش شعله‌ور کند. آنچه می‌خوانید روایت دانش‌آموزان دیروز است از شعله‌ور شدن عشق به معلمی توسط یکی از معلمانشان.

سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷ در یکی از کلاس‌های دبیرستان انقلاب شهرستان خاتم در استان یزد، ۲۹ دانش‌آموز دختر مشغول تحصیل بودند و کسی گمان نمی‌کرد که در آینده‌ای نه چندان دور ۲۷ نفر از آن‌ها راه معلم تأثیرگذارشان را در پیش گیرند؛ معلمی که نه فقط معلم درس تاریخ، که معلم درس زندگی بود. کسی که برادرانه به آن‌ها راه و رسم زندگی شایسته را آموخته و آن قدر در گوششان زمزمه محبت خوانده

## آموزش و پرورش در کنار هم

شمس السادات حسینی زاده، شاگرد بازیگوش غلامرضا معصومی، اکنون ۲۳ سال است که در آموزش و پرورش سابقه خدمت دارد. او درباره معلم خود می گوید: «آقای معصومی تنها معلم تاریخ ما نبود، او معلم زندگی ما بود. رفتار او چنان بر ما تأثیر گذاشته بود که گمان می کردیم معلمی زیباترین شغل دنیاست و با انتخاب این شغل می توانیم پیرو راه پیامبران باشیم.

این معلم غیر از درس، بر نکته های تربیتی، راه و رسم و مهارت های زندگی نیز تأکید داشت. در واقع، با شناختی که از زندگی ما داشت، می کوشید آنچه را مورد نیاز زندگی ماست مطرح کند. به همین دلیل هم بود که ما با وجود داشتن مربی پرورشی، بیشتر مسائل خود را با ایشان در میان می گذاشتیم. من حتی سال ها بعد و درباره ازدواج هم از ایشان راهنمایی و کمک خواستم. ایشان در عین رعایت مسائل شرعی میان محرم و نامحرم، چنان دوستانه و صمیمانه با دانش آموزان برخورد می کرد که ما او را به چشم برادر خود می دیدیم. می توان گفت او با رفتار و منش خود آموزش و پرورش را به معنای واقعی در کنار هم قرار داده بود. در کلاس او هم درس جای خود را داشت و هم مسائل غیردرسی. ایشان توانسته بود تعادل خوبی میان این دو موضوع ایجاد کند. البته در عین اینکه ایشان را عمیقاً دوست داشتیم، از او حساب هم می بردیم، چرا که در کلاس او، هم تنبیه و هم تشویق جای خود را داشتند.

نکته مهم دیگری که درباره ایشان باید گفت، انتقادپذیری وی بود. یعنی رابطه میان ایشان و شاگردانش چنان صمیمی بود که می توانستیم انتقادهایمان را بگوییم. ایشان بیش از هر کسی به فکر ساختن خود بود و انتقادات را با جان و دل می شنید.

## معجزه با تخته سیاه

در کلاسی که ۲۷ نفر از آن ها به معلمی روی آورده اند، سه دانش آموز با نام خانوادگی تاج آبادی درس می خوانند! یکی از آن ها «نجمه تاج آبادی» است که اکنون با ۲۲ سال سابقه در آموزش و پرورش، به عنوان مشاور مشغول به کار است و بعد از این همه سال، هنوز رفتارها و روش های غلامرضا معصومی را سرمشق و الگوی کاری خود می داند: «در روزگاری که خبری از رسانه ها و وسایل کمک آموزشی نبود، آقای معصومی از روش هایی مانند شاگرد محوری و آموزش قرآن، سعی در جذب دانش آموزان داشت. او هر روز صبح، پیش از برگزاری مراسم صبحگاه، از بچه ها می خواست در کلاس آموزش قرآن شرکت کنند. در این کلاس ها، علاوه بر آموزش

روخوانی و حفظ قرآن، نکته هایی کلیدی از زندگی قرآنی به ما گوشزد می کرد و به این ترتیب دانش آموزان را به خود و درس جذب می کرد؛ طوری که همه ما صبح های زود با پای پیاده و با وجود کمبود امکانات، تنها به خاطر شرکت در این کلاس ها به مدرسه می رفتیم. برای آموزش درس تاریخ عمومی که درس سخت و سنگینی بود، روش هایی مانند شاگرد محوری و شرکت دادن دانش آموزان در کلاس را به کار می برد که چندان مرسوم نبودند، اما اثر خوبی بر ما داشتند. در یک کلام می توان گفت او با داشتن فقط تخته سیاه، معجزه و همه ما را در کلاس میخکوب می کرد.»

با این حساب عجیب نیست که شاگردان غلامرضا معصومی همچنان او را یکی از بزرگ ترین الگوهایشان در تدریس می دانند: «من اکنون که مشاور هستم، گاهی در کارم رفتارها و روش های آقای معصومی را به کار می برم. من از ایشان آموختم که اگر می خواهیم موفق باشیم، باید به گونه ای رفتار کنیم که بچه ها با ما احساس نزدیکی و صمیمیت کنند. معلمان امروز هم اگر بچه ها را دوست داشته باشند، می توانند موفق باشند و عشق را در دل آن ها ایجاد کنند. اگر دانش آموزانمان را دوست نداشته باشیم، آن ها پیشرفت نمی کنند؛ نکته ای که آقای معصومی به آن واقف بود و آن را به کار بست.»

## آنکه جامعه تقوا به تنم ساز نمود

«برای آقای معصومی، ایمان و وجدان کاری اهمیت بسیاری داشت. گرچه از راه دور به شهرستان خاتم آمده بود، اما همیشه با دل و جان سر کلاس حاضر می‌شد و همین وجدان کاری و ایمانش باعث شد همه ما معلمی را انتخاب کنیم. او علاوه بر درس، ایمان و تقوا را هم به ما منتقل کرد.»

این جملات سخنان مهین عزیزی یکی دیگر از شاگردان غلامرضا معصومی است. او با ۱۸ سال سابقه اکنون مدیر مدرسه است و روزهای شاگردی در کلاس آقای معصومی را به یاد می‌آورد: «یکی از مهم‌ترین نکته‌هایی که در تدریس ایشان نمود داشت، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان بود. پا به پای همه دانش‌آموزان می‌آمد تا همه درس را متوجه شوند و هیچ‌کس کلاس را با ابهام ترک نکند. همواره برای یاد گرفتن درس، در دانش‌آموزان انگیزه ایجاد می‌کرد تا همه متوجه درس باشند. اکنون و بعد از سال‌ها سابقه کار متوجه شده‌ام یکی از کارهایی که معلمان و مدیران نمی‌توانند انجام بدهند، تشخیص تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان است. اگر معلم بتواند هر دانش‌آموزی را بشناسد، می‌تواند در آموزش به او تأثیرگذار باشد.

نکته دیگری که از کلاس

این معلم به یاد دارم نحوه حل مشکلات دانش‌آموزان بود. به هر حال، طبیعی است که در هر کلاسی مشکلاتی اعم از اخلاقی یا آموزشی وجود داشته باشد. آقای معصومی تا جایی که امکان داشت مشکلات را بدون خشونت در کلاس حل می‌کرد تا به دفتر مدرسه و خانواده دانش‌آموزان منتقل نشود. یعنی آن‌قدر برای ما شخصیت و ارزش قائل بود که بتوانیم مشکلاتمان را خودمان حل کنیم. علاوه بر این، می‌کوشید در کنار درس، آنچه را که ما نیاز داشتیم، آموزش دهد. او به خوبی می‌دانست که دختران دبیرستانی در چنین منطقه‌ای به چه مهارت‌هایی نیاز دارند. بنابراین، در زمان‌های کوتاهی از کلاس، نکته‌هایی درباره آشپزی و خیاطی به ما یاد می‌داد. همه این‌ها، به اضافه ایمان قوی ایشان و انتقال آن به دانش‌آموزان، باعث موفقیت آقای معصومی شد.»

## دوست و رفیق بود...

محمودی که حالا خود معلم پرورشی است، از ادب این معلم به عنوان نکته‌ای مهم و تأثیرگذار یاد می‌کند: «هیچ‌گاه حتی یک کلمه بی‌ادبانه از این معلم نشنیدیم. همیشه و حتی با دانش‌آموزی که درسش را نخونده بود با بی‌ادبی حرف نمی‌زد. همواره بزرگوارانه با بچه‌ها سازش می‌کرد و در درک مشکلات آن‌ها می‌کوشید. من به عنوان مربی پرورشی بسیاری از دانسته‌هایم را وام‌دار این معلم هستم. من از او یاد گرفتم که باید در دل بچه‌ها جای داشت تا بتوان به آن‌ها کمک کرد. زمانی یکی از شاگردان مدرسه‌ای که در آن مشغول به کار بودم قصد ترک تحصیل داشت، اما علت آن را با هیچ‌کس، حتی والدینش، مطرح نمی‌کرد. من با الگو گرفتن از آقای معصومی، سعی کردم صمیمیتی میان خودم و او ایجاد کنم تا دانش‌آموزم مشکلیش را با من در میان بگذارد. خوشبختانه در نهایت موفق شدم مانع ترک تحصیل او شوم. من این موفقیت و دیگر موفقیت‌هایم را وام‌دار معلم خود هستم. مطمئناً اگر معلمان دیگر هم خود را در قلب دانش‌آموزان جای دهند و حتی موقعیت خانوادگی آن‌ها را در حل مشکلاتشان بررسی کنند، موفق خواهند شد.»

همه فرزندان مادر و پدری دارند که دغدغه آینده آن‌ها را داشته باشند. اما دانش‌آموزان دیروزی که پای صحبت‌های آن‌ها نشستیم، از مهربانی و دلسوزی معلمی گفتند که کمتر از والدینشان نگران آینده آن‌ها نبوده و همواره هدف داشتن در زندگی را به آن‌ها گوشزد کرده است. فاطمه محمودی یکی از شاگردان غلامرضا معصومی بوده که تأثیرگذاری معلم خود را کمتر از والدینش نمی‌داند: «همه تلاش آقای معصومی این بود که بتوانیم در آینده به جامعه خدمت کنیم. به همین دلیل ما را به درس خواندن و داشتن هدف مشخص در زندگی تشویق می‌کرد. اما راهنمایی‌اش چنان دوستانه و صمیمانه بود که رنگ و بوی نصیحت نداشت. انگار دوست و رفیقمان بود که از تجربه‌هایش می‌گفت. آن قدر رفتار و منش این معلم صمیمی بود که ما رازهای دلمان را با او در میان می‌گذاشتیم. همان زمان ما معلم‌هایی داشتیم که اگر در خیابان می‌دیدمشان راهمان را کج می‌کردیم، اما ایشان را به خاطر رفتار و اخلاق نیکشان هنوز هم بعد از این همه سال دوست داریم.»



## این معلمم آرزوست

غلامرضا معصومی که ۲۷ نفر از دانش‌آموزان یکی از کلاس‌هایش راه او را دنبال کرده‌اند، از سال ۱۳۶۱ وارد آموزش و پرورش شده است و اکنون دوران بازنشستگی را طی می‌کند. او که در دانشگاه اصفهان تاریخ خوانده، در دوران معلمی هم درس‌های تاریخ و علوم اجتماعی را تدریس کرده است. گرچه دانش‌آموزانش معتقدند او تنها معلم درس تاریخ نبوده، بلکه معلمی تأثیرگذار برای همه زندگی بوده است، اما آیا این تأثیرگذاری آگاهانه بوده؟ معصومی در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «دانش‌آموز الگوپذیر است و معلم هم می‌تواند الگوی دانش‌آموز باشد. شاید در آن زمان به فکر این نوع تأثیرگذاری نبودم، اما همیشه می‌خواستم برای آن‌ها الگو باشم و آنچه را در توان دارم و می‌دانم، از راه محبت ارائه کنم.»

به اعتقاد این معلم، زمزمه محبت همیشه کارساز بوده است: «هیچ‌وقت با دانش‌آموزان تندی نکردم، حتی اگر نمی‌توانستند به سؤالات من پاسخ دهند. گاهی حتی اگر دانش‌آموزی در میان بقیه دوستانش نمی‌توانست پاسخ سؤال را بدهد، خودم بهانه‌تراشی می‌کردم تا در مقابل دیگران خجالت نکشد. به این ترتیب، هم به او فرصت جبران می‌دادم و هم دلش را به دست می‌آوردم. البته معمولاً بچه‌ها درس می‌خواندند، اما در دفعات معدودی که نمی‌توانستند پاسخگو باشند، نمک روی زخم نمی‌پاشیدم، بلکه می‌کوشیدم مرهمی باشم تا به تلاش بیشتر تشویقشان کنم. این روش واقعاً مؤثر بود و دانش‌آموز سعی می‌کرد برای جلسات بعدی درس بخواند.»

معصومی گرچه به طور رسمی معلم تاریخ بوده، اما از هر فرصتی برای تأمین کردن دیگر نیازهای دانش‌آموزان استفاده می‌کرده است؛ از نیاز به مسائل دینی و قرآنی تا خیاطی: «همواره از مدیر مدرسه اطلاعاتی درباره وضعیت اقتصادی، فرهنگی و مذهبی دانش‌آموزانم درخواست می‌کردم تا بیشتر با آن‌ها و نیازهایشان آشنا شوم و نقاط قوت و ضعف‌هایشان را بشناسم. به این ترتیب، در کلاس تنها به درس نمی‌پرداختم

و موضوعاتی مانند مسائل دینی و حتی نکته‌های خیاطی و آشپزی را مطرح می‌کردم، چون می‌دانستم به این موضوعات نیاز دارند و تشنه آن‌ها هستند. می‌خواستم تشنگی‌شان را برطرف کنم.»

غلامرضا معصومی، این معلم اردکانی، نه تنها نیازهای دانش‌آموزانش را می‌شناخته و در راه تأمین آن‌ها گام برداشته، بلکه عشق به معلمی و آموزش را نیز در دل آن‌ها ایجاد کرده است، اما چگونه؟ «من از کودکی و نوجوانی به کار معلمی عشق می‌ورزیدم و به همین دلیل توانستم این عشق را به دانش‌آموزانم منتقل کنم. معلم تا عاشق نباشد نمی‌تواند دانش‌آموزان را به معلمی علاقه‌مند کند. هنگام تدریس همواره دوست داشتم دانش‌آموزانم به جایی برسند و در جامعه تأثیرگذار باشند که خوش‌بختانه این گونه هم شد. متأسفانه عشقی را که در معلمان گذشته بود، در معلمان امروز نمی‌بینم. برخی معلمان به معلمی به عنوان شغل چندم خود نگاه می‌کنند و گاه به صورت ناآگاهانه، حتی انگیزه درس خواندن را از دانش‌آموزان می‌گیرند.»

این معلم تنها راه تشویق دانش‌آموزان به معلمی و کاشتن بذر علاقه به معلمی را عشق می‌داند: «عشق است که می‌تواند دانش‌آموزان و نخبگان را به حضور در کلاس‌های درس و آموزش تشویق کند. البته معلم تا خود عاشق نباشد نمی‌تواند دیگران را به حرفه مقدس معلمی علاقه‌مند کند. معلم عاشق تأثیرگذار خواهد بود و در دل و جان دانش‌آموز جای خواهد گرفت.» این روزها کمتر می‌بینیم که کودکان و نوجوانان معلمی را از شغل‌های محبوبشان نام ببرند، اما غلامرضا معصومی با عشق به معلمی و انتقال آن به دانش‌آموزانش، اتفاقی را رقم زد که کمتر شاهد آن هستیم. شاید حق با این معلم باشد که عشق را تنها راه چاره می‌داند و شاید حق با شاعر باشد که می‌گوید: «می‌توان سوخت اگر امر بفرماید عشق...»<sup>۱</sup>

### پی‌نوشت

۱. بخشی از شعر فاضل نظری: شمع روشن شد و پروانه در آتش گل کرد/ می‌توان سوخت اگر امر بفرماید عشق

# اضطراب امتحان

چگونه توانستم اضطراب ناشی از امتحان نهایی را در دانش آموزان سال سوم راهنمایی کاهش دهم؟



سکینه عابدزاده

دبیر حرفه و فن شهرستان کنگان

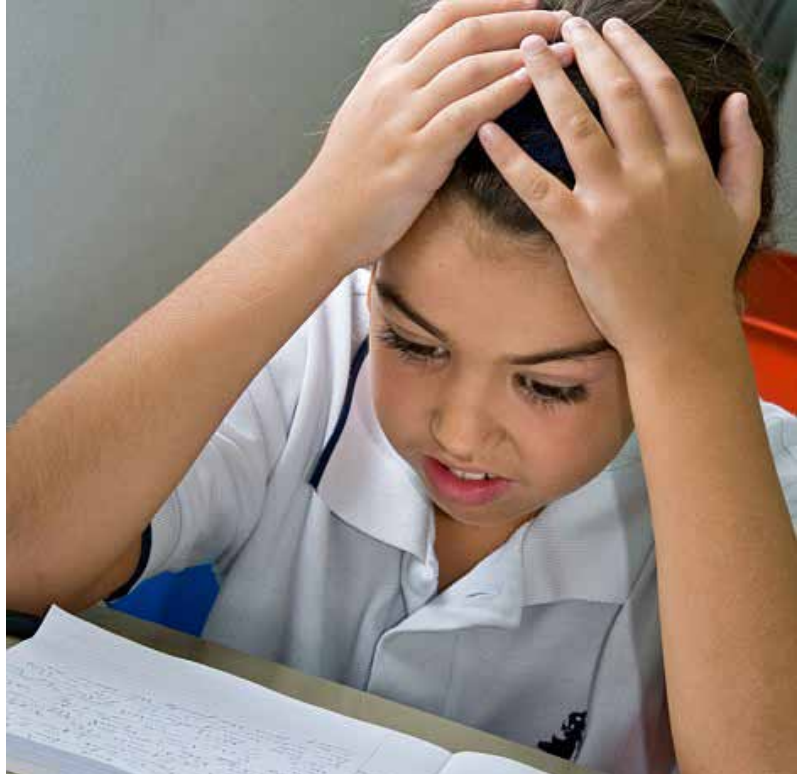
مدرسه‌ای که من در آن مشغول تدریس، مدرسه‌ای شش کلاسه است و موضوع بررسی من، مشکل دانش آموزان سال سوم. در واقع هرگاه بعد از تدریس فرصتی پیش می‌آمد، دانش آموزان مسائل و مشکلات خود را مطرح می‌کردند و با هم به گفت‌وگو و تبادل نظر می‌پرداختیم. در لابه‌لای صحبت‌هایشان متوجه ترس و دلهره آن‌ها از امتحانات نهایی شدم. فکر می‌کردند چون سؤالات امتحان نهایی از استان می‌آید، امتحان سخت است. طوری که زرتنگ‌ترین دانش آموزان هم در آن عاجز می‌مانند. همچنین، تأکید داشتند که والدین، معلمان و اطرافیان مدام به آن‌ها گوشزد می‌کنند که امسال باید بیشتر درس بخوانید، چون امتحان نهایی دارید.

پرسش‌نامه‌ای تهیه کردم و در اختیارشان قرار دادم. پرونده‌های تحصیلی آن‌ها را مطالعه کردم، در جلسه انجمن اولیا با بعضی از مادران به طور خصوصی صحبت کردم، با چند مشاور مشورت کردم و...

نتایج همه گردآوری‌ها این بود که دانش آموزان در همه نوع امتحان، چه نهایی چه داخلی، نوعی اضطراب را تجربه می‌کنند، ولی اضطراب ناشی از امتحان نهایی در آن‌ها خیلی بیشتر از امتحان عادی بود.

طبق نتایج پرسش‌نامه و همچنین صحبت‌های دانش آموزان و والدین، متوجه شدم که خود کلمه «نهایی» برای آن‌ها اضطراب‌آور است. البته رفتار والدین و جو حاکم، در این اضطراب بی‌تأثیر نبود.

اضطراب انواع متفاوت دارد و تا حد معینی امری طبیعی است، اما اگر از آن حد بالاتر رود، نوعی بیماری محسوب می‌شود. اضطراب، شایع‌ترین اختلال روانی در تمامی گروه‌های سنی است. به طور کلی، یکی از عواملی که در یادگیری و یادآوری تأثیر مهمی دارد، اضطراب است. به هنگام اضطراب، بر اثر ترشح زیاد آدرنالین، در نظام ادراکی و واکنش‌های بدن تغییرات کارکردی به وجود می‌آید، مردمک چشم بیش از حد معمول گشاد می‌شود، و کارکرد سلول‌های مخروطی دچار اشکال می‌شود. بنابراین فرد ارزیابی درستی از اطلاعات آموخته شده ندارد.



بنابراین، بر آن شدم این مشکل را، که حتی زرنگ‌ترین دانش‌آموز کلاس هم با آن مواجه بود، به نحوی حل کنم. با مطالعات کتاب‌های مرتبط و مشورت با مشاوران، متوجه شدم اضطراب را نمی‌توان به طور کامل حذف کرد، بلکه فقط می‌توان شدت آن را کاهش داد. مهم‌تر از آن، آموزش غلبه بر اضطراب بود. لذا در این باره راه‌حل‌هایی پیشنهاد دادم، مثل:

- قرائت قرآن کریم در اول هر جلسه امتحان
- انجام حرکات ورزشی در وقت‌های اضافه کلاسی
- صحبت با دانش‌آموزان برای تأثیرگذاری بر آن‌ها از راه تلقین مثبت
- برگزاری امتحانی با سؤالات امتحان نهایی سال قبل (دو هفته قبل از امتحانات نهایی) و تأکید بر این نکته که بین امتحان داخلی و امتحان نهایی هیچ تفاوتی وجود ندارد.
- دعوت از مشاوران برنامه‌ریزی درسی و آموزش نحوه صحیح برنامه‌ریزی درسی
- دعوت از مشاور برای صحبت با دانش‌آموزان برای درک راه‌های مبارزه با اضطراب
- صحبت با مدیر، معلمان و والدین برای ایجاد جوی آرام در جلسه امتحان و خانه، به منظور کاهش اضطراب امتحان.

پس از انجام این راه‌حل‌ها، طبق گفته‌های معلمان، مدیر و والدین، دانش‌آموزان از لحاظ رفتاری و عملکردی و درسی تغییرات چشمگیری داشتند. به دانش‌آموزان اطمینان دادم که امتحانات نهایی با رعایت کامل قوانین امتحان و در نهایت آرامش و ملایمت برگزار خواهد شد. قرائت قرآن در کلاس توسط یکی از خوش‌صوت‌ترین دانش‌آموزان کلاس، سبب آرامش آن‌ها می‌شد. هیجان‌شان با انجام حرکات ورزشی تخلیه می‌شد و لحظات را با اضطراب کمتر می‌گذراندند. برنامه‌ریزی صحیح و منظم درسی، باعث ایجاد اطمینان و آرامش شد. برگزاری امتحان آزمایشی با سؤالات نهایی سال قبل، (بدون اینکه دانش‌آموزان بفهمند طراح سؤال من نیستم) اطمینان آن‌ها را به خود بیشتر کرد. ایجاد جوی آرام در خانه توسط والدین، سبب احساس امنیت در آن‌ها شد. رفتار پر محبت مدیر و سایر معلمان و بالاخره برگزاری امتحان نهایی در نهایت احترام و برخورد درست با دانش‌آموزان در جلسه امتحان، باعث موفقیت آن‌ها شد.

خدا را شاکرم که توانستم قدمی هر چند ناچیز برای دانش‌آموزانم بردارم. به شما همکاران محترم پیشنهاد می‌کنم تا حد لازم در کلاس شوخ طبع باشید، و دوست و رفیق دانش‌آموز باشید، تا به شما اعتماد و اطمینان بیشتری کند و شاهد موفقیت آن‌ها باشید. باور کنید این رفتار لطمه‌ای به شیوه تدریس و شأن معلم وارد نخواهد کرد.

یکی از عواملی که در  
یادگیری و یادآوری تأثیر  
مهمی دارد، اضطراب است





# اعتمادسازی کنید و امین دانش آموزان باشید

نصرالله دادار

بهرروز خاماچی، معلم تبریزی با بیش از ۵۰ سال سابقه تدریس

«اعتمادسازی کنید و امین دانش آموزان باشید. این کار نقش بسیار مهمی در موفقیت معلم در جریان یاددهی - یادگیری دارد.»  
عبارت بالا، پیشنهاد آقای بهروز خاماچی، معلم تبریزی، با بیش از ۵۰ سال سابقه تدریس در مدارس و مراکز تربیت معلم، خطاب به معلمان امروز مدارس کشور است. گفت‌وگوی ما با ایشان را در ادامه بخوانید:

## بهرروز خاماچی در یک نگاه

آقای بهروز خاماچی در سال ۱۳۱۴ ه.ش در تبریز متولد شد. پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۴۱ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و کار تدریس را در مدرسه روستای هراب در دامنه سهند آغاز کرد.

او در همین سال برای تحصیل در رشته تاریخ و جغرافیا به دانشگاه تبریز راه یافت و در سال ۱۳۴۵، از این دانشگاه مدرک کارشناسی دریافت کرد. سپس در سال ۱۳۴۷ در مقطع کارشناسی ارشد ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۴۹، مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته جغرافیا با گرایش آذربایجان‌شناسی اخذ کرد.

آقای خاماچی بعد از ۳۷ تدریس در مناطق گوناگون آذربایجان شرقی مانند بستان آباد، مراغه، بناب، آذرشهر و تبریز، در سال ۱۳۷۸ ه.ش بازنشسته شد، اما کار تدریس را رها نکرد و تاکنون، که بیش از ۵۰ سال از آغاز معلمی‌اش می‌گذرد، به این کار ادامه داده است.

ایشان علاوه بر اینکه معلمی موفق است، یک محقق و مؤلف موفق استان آذربایجان شرقی نیز محسوب می‌شود. از وی تاکنون ۴۲ جلد کتاب درباره تاریخ و جغرافیای تبریز و آذربایجان به چاپ رسیده است. دو سال پیش هم یکی از آثار ایشان با عنوان «شهر من تبریز» کتاب برگزیده سال شد. آقای خاماچی علاوه بر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، دو دوره است که عضو شورای کلان شهر تبریز است. او هم‌اکنون با رادیو تبریز نیز همکاری دارد و دبیر هیئت پیش‌کسوتان کوهنوردی تبریز است.

## ● آقای خاماچی، بیش از ۵۰ سال است که

جناب‌عالی در مدارس و مراکز تربیت معلم مشغول تدریس هستید. اولین و مهم‌ترین سؤال ما این است که در طول این مدت از چه روش‌هایی برای تدریس استفاده کرده‌اید و براساس این تجربه ارزشمند، چه روش‌هایی را برای تدریس در عصر حاضر پیشنهاد می‌کنید؟

نخستین کار این است که معلم دانش آموزان را مثل فرزندان خود بداند. یعنی میان معلم و دانش آموز نباید فاصله و اختلاف باشد. من همیشه بانشاط و شادمانی در کلاس حاضر می‌شوم. دانش آموزان من، دردهایی را که به پدران‌شان نمی‌گفتند، به راحتی با من در میان می‌گذاشتند و مرا امین می‌دانستند. اولین شگرد معلم این است که اعتماد دانش آموزان را جلب کند، این رمز موفقیت است.

دومین موضوع این است که از وسایل به روز، اعم از فیلم‌های جغرافیایی ماهواره و رایانه استفاده می‌کنم. در آن زمان که تلویزیون نبود، من اسلایدهایی می‌خریدم و تصویرهای جاهایی را که برای ما قابل رفتن نبود، مثل ژاپن و استرالیا، با دستگاه پروژکتور در کلاس نشان می‌دادم. با این کار بچه‌ها را علاقه‌مند می‌کردم که اگر خودشان هم دوربین دارند از مناطق جالب تصویر تهیه و مشارکت کنند. روش دیگر گردش علمی است که الان هم دارم. من دبیر هیئت کوهنوردی پیش‌کسوتان هستم. در زمان تدریس، معاون کوهنوردی تبریز بودم و به هر جای ایران می‌رفتم، برای دانش آموزانم عکس می‌آوردم.

اولین شگرد معلم  
این است که اعتماد  
دانش آموزان را جلب کند،  
این رمز موفقیت است

بچه‌ها دفتري دارند و قرار است اگر قلعه‌ای یا نقاطی دیدنی در اطرافشان شناسایی می‌کنند، به ما معرفی کنند. البته روش شناسایی را هم آموزش می‌دهیم. درباره آثار تاریخی، مساجد، معابد، آداب و رسوم، عید نوروز و محرم نیز باید بنویسند.

### ● نقش مطالعه مستمر را برای معلم در جریان یاددهی - یادگیری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

معلم باید اهل مطالعه باشد. من همیشه در درسی که می‌دادم غرق بودم. از پیش می‌دانستم روزهای بعد سر کلاس چه خواهیم گفت. به بچه‌ها می‌گفتم اگر سؤالی از من پرسیدید و من ندانستم، ناراحت نشوید، من روز

با دانش آموزانم به گردش علمی می‌رفتیم. مثلاً به دریاچه ارومیه می‌رفتیم و دقت می‌کردیم که آب از کجا می‌جوشد. این را به بچه‌ها نشان می‌دادم. بچه‌ها را به قلعه‌های تاریخی که در موردشان کتابی هم نوشته‌ام، می‌بردم و درباره معماری دوره خاص هر قلعه، چگونگی و جنس سنگ‌ها و تاریخ قلعه هلاکوخان با بچه‌ها حرف می‌زدیم.

وقتی به روستا می‌رفتیم، در مورد اینکه مثلاً چرا این روستا پلکانی است، با بچه‌ها صحبت می‌کردم. موضوعاتی را که در کلاس می‌گفتم، بچه‌ها می‌نوشتند و قرار می‌گذاشتیم که مثلاً دو هفته بعد به لبقوان برویم و آنجا را ببینیم.

گاهی بچه‌ها را به حاشیه شهر می‌بردم. به آن‌ها می‌گفتم پراکنده شوید و پرسش‌نامه‌ای تهیه کنید و با مهربانی با مردم صحبت کنید. ببینید از کجا آمده‌اند و چرا در تبریز ساکن شده‌اند؟ به مردم بگویید ما مأمور اطلاعاتی یا مالیاتی نیستیم، دانش آموز هستیم و می‌خواهیم تحقیق کنیم. اگر نخواستند مجبورشان نکنید.

الان بچه‌ها می‌گویند عکس شما را از بیست سال پیش در آلبوم داریم. وقتی در مدارس دیگر سخنرانی می‌کردم، و بچه‌ها کتاب‌های مرا با علاقه تهیه می‌کردند.

### ● چه روزهایی بچه‌ها را به گردش علمی می‌بردید؟

اکثر روزهای تعطیل به گردش علمی می‌رفتیم. البته خانواده‌های دانش آموزان هم به من اطمینان داشتند.

### ● غیر از روش‌هایی که به آن‌ها اشاره کردید، چه روش‌های دیگری را برای تدریس مؤثر می‌دانید؟

الان سی‌دی‌های جالبی درباره درس جغرافیای ایران یا جغرافیای شهرها وجود دارد. ما این سی‌دی‌ها را از بیرون تهیه می‌کنیم. مؤسساتی هستند که می‌دانند معلم‌ها چه می‌خواهند و آن‌ها را تدوین می‌کنند. کارگاه جالبی داریم که در آن این سی‌دی‌ها را نمایش می‌دهیم. در این کارگاه همه‌جا نقشه نصب کرده‌ایم. مثل نقشه‌های برجسته جغرافیایی سحاب.

یکی دیگر از روش‌های آموزشی من این است که از بچه‌ها می‌خواهم کتاب خاصی را خلاصه کنند. نمره‌ای هم برای این کار اختصاص می‌دهم که مثلاً از ۱۰۰ صفحه کتاب، مطالب مربوط به کلاس درس ما را تهیه کنند.

مثلاً برای تدریس اکوتوریسم از بچه‌ها می‌خواهیم اکوتوریسم شهر یا منطقه خودشان را ترسیم کنند؛ مانند منطقه دریا و خانه. همه این فعالیت‌ها نمره دارند.

معلم باید عشق به معلمی داشته باشد. همه می‌دانیم که حقوق معلمان کم است، با وجود این من خوشحالم که ۵۰ سال است معلم هستم



عکاس: جلال شمس آذران

من دانش‌آموزان را به گردش علمی می‌بردم و از این روش در جهت یاددهی - یادگیری استفاده می‌کردم. مثلاً آن‌ها را به دریاچه ارومیه می‌بردم و آن‌ها را با مسائل مختلف این دریاچه آشنا می‌کردم

بعد به شما جواب خواهم داد. می‌روم مطالعه می‌کنم، فرهنگ‌نامه‌ها را می‌بینم و جواب شما را می‌دهم. بچه‌ها هم استقبال می‌کردند، چرا که می‌فهمیدند برایشان احترام قائل هستم. من کتاب‌هایم را کنار تخت خوابم چیده‌ام. موقع خواب کتاب می‌خوانم و یادداشت برمی‌دارم. سر کلاس درس که می‌روم، حرف‌های زیادی برای گفتن دارم، چون اهل مطالعه هستم. من تا آخرین لحظهٔ عمرم می‌خوانم، می‌نویسم و ورزش می‌کنم.

### ● آقای خاماچی، از کتاب‌هایتان هم برایمان بگویید.

مهم‌ترین کتاب من «فرهنگ جغرافیای آذربایجان» است که انتشارات سروش آن را چاپ کرده است. صدو هشتاد تصویر رنگی دارد. مثل دایره‌المعارف از الف شروع می‌شود و همهٔ مناطق جغرافیایی آذربایجان را دربرمی‌گیرد.

به تازگی کتابی چاپ کرده‌ام به نام «تبریز از نگاه جهان گردان». سفرنامه‌های تعداد ۲۰۰ نفر از جهان گردانی را که به تبریز سفر کرده و دربارهٔ آن نوشته‌اند، در یک مجموعه جمع کرده‌ام.

کتاب دیگر، «سهند در گسترهٔ آذربایجان» است که دربارهٔ چگونگی تشکیل سهند و چگونگی آبیاری منطقه با نوزده رودخانه و دلایل آبادی اطراف سهند مثل مراغه و تبریز گفته‌ام. به خاطر خاکستری که از آتشفشان ریخته و پس از میلیون‌ها سال به کود طبیعی تبدیل و تجزیه شده، خاک مناطق اردبیل، اهر، مشکین و سراب و چهار روستای اطراف سیلان، و هشت‌رود و مراغه و تبریز و بستان‌آباد حاصل‌خیز شده است. بهترین باغ‌ها، چمنزار و... که پنیر لیقوان دارند، همگی نتایج همین حاصل‌خیزی‌اند. این‌ها موضوعاتی هستند که در کتاب من بیان شده‌اند.

### ● چه پیامی برای معلمان سراسر کشور دارید؟

معلم باید ذاتاً معلم باشد و عشق به معلمی داشته باشد. همه می‌دانیم که حقوق معلمی کم است. الان حقوق شاگردان من در تراکتورسازی بیشتر از حقوق فعلی من است. با وجود این خوش‌حالم که مرا به عنوان معلمی موفق می‌شناسند. برای من، از درآمد بهتر این است که وقتی سوار اتوبوس می‌شوم، همه به احترامم بلند می‌شوند و جای خود را به من می‌دهند و می‌گویند او معلم خوب تبریز است. اگر ما گرفتاری هم داریم باید انسان‌های خوبی باشیم. گرفتاری‌ها هرگز نباید در کلاس عنوان شوند و فکر معلم را در تدریس به خود مشغول دارند. ما خودمان این راه را انتخاب کرده‌ایم، به زور که ما را معلم نکرده‌اند.

من دو دوره است که عضو شورای کلان شهر تبریز هستم. اکثر رأی‌دهندگان به من، همان دانش‌آموزان دیروز، امروز و خانواده‌هایشان هستند.

معلم‌ها باید انسان‌های اجتماعی هم باشند. در جمع مردم در حد اعتدال شرکت کنند؛ در مساجد، عروسی‌ها و در مراسم. خیلی از معلم‌ها را در تبریز اصلاً نمی‌شناسند، اما مرا همهٔ تبریزی‌ها می‌شناسند. حتی راننده‌های اتوبوس رانی هر وقت و هر جا مرا ببینند، سوار می‌کنند.

شاگردی داشتم از کردستان آمده بود. روزی وقتی همه از کلاس بیرون رفتند، او هنوز مانده بود. چون من آخرین نفر هستم که از کلاس بیرون می‌روم متوجه او شدم. داشت اشک می‌ریخت.

پرسیدم: «چه شده؟» گفت: «نمی‌توانم بگویم. گفتم: «چرا؟ من هم مثل پدرت هستم. پول لازم داری؟» او را به دفتر بردیم و با چند نفر از معلمان خوب مدرسه، از او خواستیم مشکلش را بگوید. او گفت: «خواهرم فلج شده است و او را به مسافر خانه آورده‌ایم و نمی‌دانیم با او چه کنیم؟»

از دانش‌آموزم پرسیدم: «پزشکان دربارهٔ او چه گفته‌اند؟» جواب داد: «گفته‌اند اگر یک ماه در بیمارستان بماند و فیزیوتراپی شود درمان می‌شود.»

بلافاصله گوشی تلفن را برداشتم و به برادر باجنابم دکتر شهرآرا که پزشک بود زنگ زدم. دکتر شهرآرا فوراً آمبولانسی فرستاد و مریض را به بیمارستان رازی بردند. حدود ۲۰ روز در بیمارستان فیزیوتراپی شد و تحت کنترل قرار گرفت. مادرش هم کنارش بود تا اینکه خوب شد و خودش راه رفت. شبی از شب‌ها با پای خودش به خانهٔ ما آمد برای تشکر.

این کارها در کلاس، در جامعه و نزد خدا ارزش زیادی دارند. یکی دیگر از دانش‌آموزان برای اینکه عینک نداشت گریه می‌کرد. چشمانش نمی‌دید. ما فامیلی به نام دکتر صدقی‌پور داشتیم که چشم‌پزشک بود. دانش‌آموز را نزد ایشان فرستادیم. ایشان هم پولی از او نگرفت و به من گفت: هر وقت چنین دانش‌آموزانی گرفتار چشم‌پزشکی شدند، نزد من بفرستید تا من هم در این عمل خیر سهمی داشته باشم.

آدمی پس از ۳۰ سال خدمت که بازنشسته می‌شود، شب که می‌خواهد، مثل پردهٔ سینما کلاس‌ها از مقابل دیدگان او می‌گذرند. اگر محبت کرده باشی، احساس می‌کنی قافیه را نباخته‌ای و حتماً عوض آن را خواهی دید و اگر اهل مهربانی نبوده باشی، از حضور در جامعه و بین دانش‌آموزان که همه‌جای جامعه هستند، شرم می‌کنی.

از وسایل روز مانند فیلم، اینترنت، ماهواره و... برای آموزش در کلاس درس استفاده می‌کنم. آن زمان که تلویزیون نبود، من اسلاید سر کلاس درس می‌بردم

گاهی اوقات بچه‌ها را به حاشیهٔ شهر می‌بردم و به آن‌ها پرسش‌نامه می‌دادم تا ضمن گفت‌وگو با مردم، آن پرسش‌نامه‌ها را پر کنند



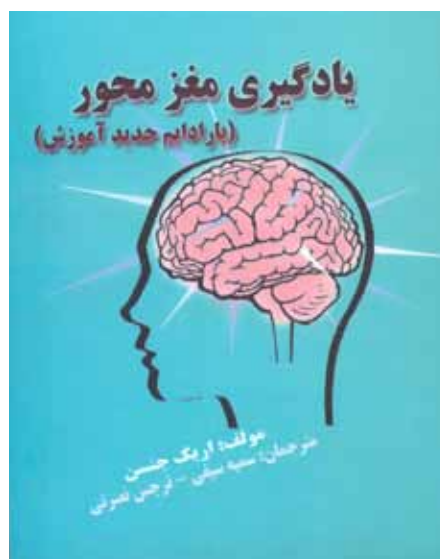


# یادگیری مغز محور

یادگیری مغز محور با تلفیق معیارهای تعلیم و تربیت، راه‌هایی پیشنهاد می‌کند تا مدارس بتوانند از آن‌ها برای رسیدن به سازمان‌دهی یادگیری استفاده کنند. راهبردهای مغز محور بیان شده در این کتاب، می‌تواند به موفقیت ما کمک کند؛ در حالی که هزینه گزافی هم نخواهد داشت. مدارس باید درهایشان را به روی سؤال‌های ساده اما اساسی که در حال حاضر علم برای آن‌ها پاسخی درخور دارد بگشایند؛ سؤال‌هایی مانند: چگونه مغز بهتر یاد می‌گیرد؟ چگونه یادگیری موفقیت‌آمیز با مغز را در ذهنمان سازمان‌دهی کنیم؟

اکنون زمان تغییر تفکر است! به‌طور خلاصه، ایجاد محیط سازمان‌یافته در مسیری که مغز به‌طور طبیعی یاد می‌گیرد، ممکن است ساده‌ترین و سرنوشت‌سازترین اصلاح تعلیم و تربیتی در هر شروعی باشد. در واقع اصلاحات، تا زمانی که رویکرد مغز محورانه به یادگیری نداشته باشیم، عملی نمی‌شود. یادگیری مغز محور، مسیری و تفکری درباره فرایند یادگیری است. همچنین، مجموعه‌ای است از اصول و پایه‌های اساسی دانش و مهارت بر توانمندی در تصمیم‌گیری‌های ما در فرایند یادگیری.

امید آنکه این کتاب بتواند پرتویی از آگاهی و شناخت بر دیگر جنبه‌های ناآشنا و مبهم مغز، به عنوان ابزاری برای یادگیری و رشد همه جانبه، بتابد.



- یادگیری مغز محور
- مؤلف: اریک جنسن
- مترجمان: سمیه سیفی و نرجس نصرتی
- ناشر: رشد فرهنگ
- ۰۲۱-۶۶۳۷۷۵۷۰



ابراهیم اصلانی

# مسئله‌ای به نام بوی جوراب

در مدارس کشور ما موضوع نماز جماعت از ابعاد گوناگونی مورد توجه قرار می‌گیرد، از جمله: روش‌های جذب دانش‌آموزان، برنامه‌های جنبی، برنامه‌های مناسبی، تأمین امام جماعت، بهره‌گیری از مشارکت دانش‌آموزان و غیره. در این میان، مسائلی هم می‌ماند که به نظر می‌رسد نسبت به آن‌ها بی‌توجهی یا کم‌توجه هستیم، مانند: برقراری نظم، جلب توجه همه دانش‌آموزان و بوی نامطبوع جوراب‌ها! این بی‌توجهی یا کم‌توجهی در بیشتر مواقع ناشی از بی‌علاجی است؛ یعنی چون راه چاره‌ای برای مسئله پیدا نمی‌کنیم، ترجیح می‌دهیم آن را تحمل کنیم و نادیده بگیریم. «بوی جوراب» مسئله‌ای ساده است که یافتن راه‌حل برای آن چندان هم آسان نیست. ورود هم‌زمان خیل دانش‌آموزان به نمازخانه مدرسه برای اقامه نماز جماعت، اگرچه فعالیت تربیتی مؤثری است، اما تبعات دیگری هم به همراه دارد که مدیر و مربیان مدارس باید برای آن‌ها چاره‌جویی کنند.





### بوی جوراب

به ایده جالبی در مورد برپایی نماز جماعت در دبیرستان کمال برخوردیم. متولیان مدرسه برای هر کلاس، کمدی شبیه جاکفشی درست کرده بودند که در هر قفسه آن یک جفت دمپایی و یک عدد حوله کوچک دستی قرار می دادند. دانش آموزان توجه شده بودند که بعد از وضو پاهای خود را بشویند و با حوله خشک کنند.

شاید ایده های جالب دیگری هم بتوان یافت! بیاید به همین موضوع به ظاهر ساده بیشتر اهمیت بدهیم تا به ایده های قابل اجرا و مؤثر دیگری برسیم. از یک نکته مهم هم غفلت نکنیم: میزان اهمیت مدرسه به بهداشت فردی و جمعی. گاهی موضوع مهم ما فقط بوی نامطبوع جوراب است و شاید به راه حل هایی هم برسیم، اما موضوع مهم تر، بهداشت فردی دانش آموزان است که اگر بتوانیم برای آموزش آن کاری انجام دهیم، در مورد بوی جوراب هم به روش هایی بهتر دست خواهیم یافت. دانش آموزی که امروز به بوی نامطبوع جورابش اهمیت نمی دهد، به احتمال زیاد در آینده همان دانشجوی شلخته ای خواهد بود که حتی به نظافت و تمیزی خوابگاه یا محل زندگی اش اهمیت نمی دهد. اگر مدرسه می خواهد به زندگی دانش آموزان نزدیک باشد، می تواند برنامه هایی را در زمینه بهداشت فردی طراحی و اجرا کند؛ برنامه هایی که باید تکرار شوند تا جاییکه تثبیت شوند. پاکیزگی فضای نمازخانه مدرسه و عاری بودن آن از بوی نامطبوع جوراب، می تواند نشانه ای از جایگاه بهداشت فردی و جمعی در مدرسه باشد و اینکه موضوع چگونه مدیریت شده است.

– اثربخشی کارکرد تربیتی نماز را تحت تأثیر قرار می دهد و چه بسا تصورات منفی را در اذهان دانش آموزان به وجود آورد.

– برنامه ریزی برای تربیت دینی را با دشواری هایی همراه می کند. دانش آموزان را به سمت فعالیت عبادی هدایت می کنیم، در حالی که موضوع تبعات دیگری هم دارد که باید به آن ها هم توجه شود.

– بهداشت فردی و جمعی را زیر سؤال می برد، در حالی که انتظار می رود همه با بدن و لباس پاکیزه در نماز حاضر شوند، بوی نامطبوع آکنده در فضا، چیز دیگری را نشان می دهد.

– میزان توجه مدیر و مربیان مدرسه را به موضوع بهداشت فضای نمازخانه و تأمین امکانات مناسب تهویه نشان می دهد.

در مجمع عمومی انجمن اولیا و مربیان مدرسه فرزندم شرکت کرده بودم. یکی از مربیان، ضمن طرح موضوعات مدرسه، به موضوع بوی جوراب مدرسه رسید. او ضمن دعوت از والدین برای توجه بیشتر به بهداشت فردی فرزندشان، گفت که مدرسه از دانش آموزان خواسته است با جوراب سفید برای نماز بیایند. بدین وسیله، کثیفی جوراب ها زودتر به چشم می آید و دانش آموزان – و شاید هم والدین – مجبور می شوند جوراب ها را بشویند. فکر بدی نیست، شاید تا حدی مؤثر باشد، اما آیا راه های دیگری هم وجود دارد؟ به یاد تجربه دبیرستان کمال افتادم. چند سال پیش که پژوهش مانندی در مورد مدارس قدیمی انجام می دادیم،



# مجله از دید شما

نتایج نظرسنجی درباره مجله

رشد آموزش رهنمایی



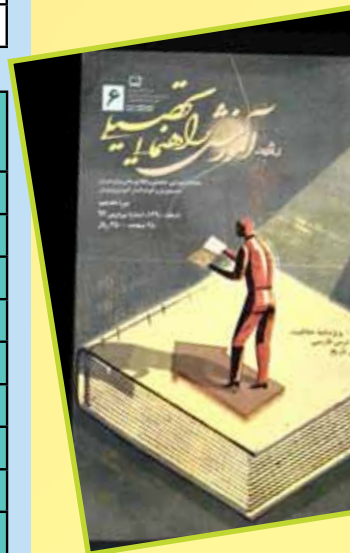
ماهنامه رشد آموزش رهنمایی تحصیلی بر آن است تا با فراهم آوردن فضای «خودآموزی» موجبات تقویت مهارت‌های معلمان را فراهم آورد، چنان‌که فرهیختگان نظام آموزش و پرورش خود مسئولیت ارتقای دانش، بینش و مهارت‌های علمی و حرفه‌ای‌شان را به عهده گیرند و از قبول آن لذت ببرند. مجله رشد آموزش رهنمایی تحصیلی برای کمک به تحقق این مهم و ایجاد فضایی پویا و کارا، از مخاطبان خود درباره دوره هفدهم مجله (سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰) نظرسنجی کرد. گزارش اجمالی آن را در این نوشتار می‌آوریم. به امید آنکه هر چه بیشتر و بهتر در مسیر تأمین نیازها و پاسخگویی به علاقه‌های معلمان ارزشمند و مخاطبان فرزانه خود گام برداریم. ۲۰۹ نفر از خوانندگان و مخاطبان مجله فرم نظرخواهی را کامل کرده و فرستاده‌اند. نتیجه این نظرسنجی در دو جدول «الف» و «ب» به اختصار آمده است.

جدول الف

| پاسخ‌ها   |     |     | پرسش‌ها                                                                     |
|-----------|-----|-----|-----------------------------------------------------------------------------|
| بدون پاسخ | خیر | بلی |                                                                             |
| ۵٪        | ۱۰٪ | ۸۵٪ | آیا مجله رشد آموزش رهنمایی تحصیلی در دفتر مدرسه شما یافت می‌شود؟            |
| ۱۰٪       | ۷٪  | ۸۳٪ | آیا مطالب ارائه شده در مجله با اهداف دوره رهنمایی تحصیلی متناسب است؟        |
| ۱۰٪       | ۲۰٪ | ۷۰٪ | آیا مطالب ارائه شده در مجله برای مدیریت کلاس درس شما مفید است؟              |
| ۱۴٪       | ۲۱٪ | ۶۵٪ | آیا مطالب ارائه شده در مجله در کلاس درس کاربرد دارد؟                        |
| ۱۷٪       | ۱۵٪ | ۶۸٪ | آیا با ادغام مجله رشد آموزش رهنمایی تحصیلی با مجله رشد معلم موافقت می‌کنید؟ |

جدول ب

| بدون پاسخ | ضعیف | متوسط | خوب | عالی | نظر شما درباره چاپ موضوعات، مطالب، تصاویر و... در مجله چیست؟ |
|-----------|------|-------|-----|------|--------------------------------------------------------------|
| ۱۹٪       | -    | ۷٪    | ۴۶٪ | ۲۸٪  | تصویر و عکس روی جلد                                          |
| ۱۹٪       | -    | ۱۲٪   | ۴۸٪ | ۲۱٪  | سر مقاله‌ها                                                  |
| ۱۸/۵٪     | ۰/۵٪ | ۱۷٪   | ۳۳٪ | ۳۱٪  | رموز معلمی                                                   |
| ۲۸٪       | ۲٪   | ۱۳٪   | ۳۴٪ | ۲۳٪  | معلمان معمار                                                 |
| ۲۱٪       | ۱/۵٪ | ۱۲/۵٪ | ۴۶٪ | ۱۹٪  | گزارش‌ها                                                     |
| ۲۱٪       | ۲٪   | ۱۲٪   | ۴۴٪ | ۲۱٪  | گفت‌وگوها                                                    |
| ۲۶٪       | ۱٪   | ۱۵٪   | ۳۷٪ | ۲۱٪  | دعوت به نوشتن                                                |
| ۱۹٪       | ۳٪   | ۱۰٪   | ۲۶٪ | ۴۲٪  | تجربیه‌ها و خاطرات معلمان                                    |
| ۲۲٪       | ۴٪   | ۱۰٪   | ۳۲٪ | ۳۲٪  | آموزش + بازی                                                 |
| ۲۲٪       | ۶٪   | ۹٪    | ۳۵٪ | ۲۸٪  | کارگاه تفکر خلاق                                             |
| ۲۸٪       | ۷٪   | ۱۲٪   | ۳۳٪ | ۲۰٪  | ویژه‌نامه ضمن خدمت                                           |
| ۳۲٪       | ۵٪   | ۱۰٪   | ۳۵٪ | ۱۸٪  | ویژه‌نامه استان‌ها                                           |



## با مجله های رشد آشنا شوید

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می شوند:

### مجله های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

**رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

**رشد نوجوان** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره دبستان)

**رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)

**رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

**رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی)

### مجله های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی

آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

### مجله های بزرگسال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- ♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن
- ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر
- ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی
- ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی
- ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست شناسی
- ♦ رشد آموزش زمین شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه ای ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش جویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱



شرکت کنندگان در این نظرسنجی، برای افزایش مهارت های حرفه ای خود، در مطالبی با موضوعات زیر را پیشنهاد داده اند:

- \* آشنایی با روش های تدریس با محوریت پژوهش
- \* آشنایی با شیوه های نوین ارزشیابی (مستمر، تکوینی و تشخیصی)
- \* آشنایی با روش ها و شیوه های نوین ارائه تکلیف به دانش آموزان

- \* چگونگی بهره گیری از فناوری در تعمیق یادگیری
- \* چگونگی برقرار کردن ارتباط مؤثر با دانش آموزان
- \* آشنایی با استانداردهای سواد اطلاعاتی
- \* خواننده گرامی، تحلیل و بررسی نتایج نظرسنجی را به اندیشه پرتوان شما می سپاریم.

# با هم راهان

دفتر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی مشتاقانه منتظر آثار ارسالی مخاطبان عزیز است. شما عزیزان می‌توانید آثار خود را از طریق پیام‌نگار مجله، پست یا مراجعه حضوری به دست ما برسانید. اسامی مخاطبانی که در دوره هجدهم مجله آثاری برای ما فرستاده‌اند به شرح زیر است:

محمدحسن صالحی، سیده زینب احدزاده، مجتبی صیامی، فاطمه میرزایی، طیبه ابراهیمیان‌خوزانی، طاهره جهانیان، پروین موسوی، طیبه مرادی‌فریسا، مهناز ملایری، حسن مؤمنی، محمد فایق‌مجیدی، غلامحسین ظفری، ربابه مهدوی، شیوا کبیری، مینا پاکپوررودسری، قاسم صباغی‌دیزج‌یکان، زهرا افشارکهن، سمیه لایق‌ارخودی، زهرا تدین‌نژاد، مژگان ربیعی، سکینه عابدزاده، محبت صیادیان، علی بهرامی‌هیدجی، صغری مرسلی، اکرم ذبحی، نرگس هاشمی‌حسینی، فاطمه جنتی، زهره میرباقری، مریم آقایی‌تبریزی، مریم هاشم‌نژاد، زهرا مرزبان، ملیحه ترک‌زاد، ذبیح‌الله کرمانپور، زهره رنجبرریزی، فاطمه ناصری، منصوره مجاهد، آرام احمدپور، حسین پولادیان، خدیجه عسگرزایی، هاجر بهادران، حمید عقیقی‌ثابت، حسین پیریائی، محمد قنبری‌طلب، خدیجه عبادی، مجتبی رستمی، لیدا نیک‌آیین، اعظم احمدخواه، نازیلا کسای، ربابه رضایی‌گرمارودی، مریم خاکی، جمیله عبدالعزیزی، عفت صادقی، فریبا مقصودی، ملیحه قاسمی، سهیلا محقق، حسین دولت‌آبادی‌آرانی، مریم شریفی، فرزانه فتح‌آبادی، زینب گلبراری، نرگس خسروی‌ان، خدیجه طاعتی، لیلا سلیمانی، زهرا لطفی، امینه سعیدی، پورانخت یعقوبی، معصومه فرهنگ‌مقدم، فاطمه‌سادات لنکرانی، محمدرضا صفری، زهرا صادقی‌آرانی، امیر غلامی، سعیده قمرگیر، زهرا شهرآئینی، مرضیه دهقانی، مریم باقری‌باغبادرانی، فراسات عسکری، مژگان شیخی، مریم بکایی، محمدرضا مصطفوی، لیدا شمشیری، مروت محمدی، شاکرم عبدی‌پور، یدالله رحمانی، فضایل شاهماری‌سوها، مدینه آدیگوزلی، فاطمه روحی فرشمی، زهرا ملکان، سمانه ملک‌زاده، مهدی جمعی، هادی کوشا، مصیب خلخالی، مهدی حجازی، مژگان جابری‌هفشجانی، سعید اسداله، صدیقه خورانی، کتایون تاکی، معصومه شاملو‌جانی‌بیک، بهمن ویسی، نسرين سوادپور، آمنه عابدی، معصومه بغدادی، علی کاظمی‌تازه‌کندی، بهمن جبرائیلی، محمودرضا سعیدی‌گراغانی، حسین اقدمی، مینا زارع‌دار، محمدباقر مصطفی‌نژاد، فاطمه شیری، علی‌اکبر ارشادی، زینت‌سادات کریمی، منصور مقدم، علی حسن‌مرادی، یونس کشوری، فریبا راستگو، سراله دماوندی‌کمالی، مریم شاه‌محمدی، الیاس شهبازیان، اسماعیل مرکیدی، رمضان سلیمانزاده، جمال حاجی‌زاده، محسن ملازانی، زهرا پیریایی، سیدعلی بلاغت، مژگان جابری، حسین قلاوند، نرگس عزیزی، شورش اسکندری و مرضیه سهیلی.



## برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه همراه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ تاریخ تولد:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

♦ استان:

.....

♦ شهرستان:

.....

♦ خیابان:

.....

♦ شماره فیش:

.....

♦ شماره پستی:

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

- ♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- ♦ وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)
- ♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال